هفته نامه
شماره ۳
چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۵۸
زیر نظر شورای نویسندگان امت
بها ۱۰ ریال

امت

وكذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا

سرمقاله

به کجا میرویم ؟

در دریای طوفان زده ایران، کشتی انقلاب به کدام سو در حرکت است؟ به کدام ساحل چشم دوخته‌ایم؟ و آیا تلاطم امواج حوادث، به کسانی که سکان این کشتی را به دست دارند فرصت میدهد تا جهت حرکت خود را تشخیص دهند آیا موقع آن نیست که به اطراف خویش بنگریم و از بالای امواج، دریا را و با نگاه "جهت‌یابی" که از معیارها و اصول انقلاب در اختیار داریم مسیر حرکت را تعیین کنیم؟

مسئولیتهای بزرگی را که انقلاب بر دوشمان نهاده است یادآور شویم. مسئولیتی که متوجه تمامی کسانی است که به گونه‌ای در پیشبرد و پیروزی جنبش مردم شرکت داشتند، هم کسانی که مسئولیتی در اداره امور بر عهده گرفته‌اند و هم آنها که بر کارهای گروه اول نظارت دارند و یا به تماشا نشسته‌اند.

قبل از هر چیز هدفهای انقلاب را درنظر بگیریم. و سپس ببینیم اقداماتی که انجام میدهیم، تصمیماتی که گرفته میشود و تغییراتی که رخ میدهد و سخنانی که ایراد می‌شود، با معیارها و هدفهای انقلاب اسلامی خلق هماهنگی دارد و یا علیرغم دشواریها و مشکلات فراوان، با وجود کندی حرکت، جامعه ما قدم به قدم از مرحله نظام طاغوتی دور می‌شود و به مرحله یک جامعه توحیدی نزدیک می‌گردد؟

نفس وجود حوادث سخت، موانع، اشکالتراشیهای دشمن و حادثه‌آفرینی‌های ضدانقلاب و سمپاشی‌ها و تفرقه‌افکنی‌های فرصت‌طلبان اهمیت چندان ندارد. مهم آن است که ببینیم ما بر حوادث مسلطیم و یا امواج ما را بهر سو می‌کشانند و به راه و جهتی که نمی‌خواهیم؟ و نباید که بخواهیم[1].

آیا شیوه مقابله ما با توطئه‌های امپریالیسم و مزدوران رژیم سابق در همه ابعاد خوب و موثر بوده است؟

آیا ریشه‌ها و عوامل اصلی نفوذ دشمن را بخوبی شناخته‌ایم و تیشه را بر ریشه میزنیم یا صرفا" به قطع شاخ و برگها بسنده می‌کنیم؟

اگر پیش از آنکه بخود آئیم و با وجود پیش‌بینی‌ها و هشدارها حادثه کردستان، ما را در میان گرفت، در مهارکردن آن موفق بودیم؟ و آیا توانستیم از تکرار آن در ترکمن‌صحرا جلوگیری کنیم و آیا هم اکنون مطمئن هستیم که مشابه آن در نقاط دیگر در خوزستان و بلوچستان در آذربایجان و لرستان و در هر نقطه آسیب‌پذیر دیگر کشور، رخ نخواهد داد؟

اگر طوفان در کردستان و ترکمن‌صحرا بظاهر فرو نشسته است آیا مطمئن هستیم که بعد از یک آرامش موقت، دیگربار در ابعاد وسیعتری سر بلند نخواهد کرد. از فرصتی که پس از آرامش در این دو نقطه فراهم آمد، چرا بسرعت و با قاطعیت برای قطع ریشه‌های اصلی و کور کردن سرچشمه‌های اصلی خطر اقدام نکردیم تا حوادث نقده اتفاق افتاد و دهها نفر قربانی توطئه‌های دشمن و سهل‌انگاری ما شدند. کینه‌ها و خصومت‌ها آبیاری شد و برادران در مقابل هم صف کشیدند و به روی یکدیگر شلیک کردند و خونها بر زمین ریخته شد وبسیاری از ترس آواره بیابانها و کوهها شدند و زمینه برای روشن‌کردن آتش جنگ و نزاع و توطئه مساعدتر گشت.

چرا از این حوادث بسرعت و با هوشیاری لازم عبرت نمیگیریم و علاج واقعه را در نقاط دیگر قبل از وقوع نمیکنیم؟

با وجود اعلام خطرها، اعزام هیئت‌ها از جانب امام و دولت و گزارشهای دقیقی که در باره ریشه و علل تهیه میشود و جای ابهامی در باره ماهیت و علل اصلی بروز این حوادث وجود ندارد؟ با قاطعیتی که در خور یک انقلاب است به حل ریشه‌ای مسائل نمی‌پردازیم. همه میدانیم که برادران ما در کردستان، تکمن صحرا، بلوچستان، خوزستان، آذربایجان، لرستان و ... از ستم مضاعف رژیم ننگین پهلوی رنج بسیار برده‌اند. فئودالها و خوانین و نوکران رژیم اراضی

بقیه در صفحه ۲

گفتگو با مجروحین در بارهٔ:

چگونگی کشتار کارگران جهان‌چیت

• تشکیل شورای انقلاب اسلامی کارگران جهان‌چیت

بمناسبت هشتمین سالگرد شهادت کارگران جهان چیت (اردیبهشت ۵۰) روزنامه "امت" گفت وشنودی با برادران کارگر تیرخورده در آن حادثه داشت که درطی آن، برادران جریان: اعتصاب تحصن در کارخانه، راهپیمائی بسوی‌تهران و تیراندازی مأمورین رژیم وابسته بامپریالیسم شاه خائن بسوی کارگران در سال ۵۰ و شرکت فعالشان در مبارزات یکسال اخیر ملت مسلمان ایران و همچنین چگونگی تشکیل "شورای انقلاب اسلامی کارگران جهان چیت و عملکرد دوماهه آن" را برای ما توضیح دادند.

"امت" با تشکر از "شورای انقلاب اسلامی کارگران جهان‌چیت" و "برادران شرکت‌کننده" در گفت و شنود، اطلاعات فوق را پس از معرفی کوتاهی از محمد صادق فاتح یزدی مالک کارخانجات جهان در دو بخش "کشتار کارگران جهان چیت... و تشکیل شورای انقلاب اسلامی کارگران جهان چیت و عملکرد دوماهه آن" باطلاع‌خوانندگان محترم میرساند.

محمد صادق فاتح یزدی از ملاکین ستمکار یزد سالها قبل حاجی‌آباد کرج را که از خالصجات دولتی بود به قیمت ناچیزی‌خریده و با قهر و اعمال زور زارعین حاجی‌آباد را از زمینهایشان اخراج نمود و تدریجا" تمامی زمینهای غرب کرج را تصاحب کرد.

محمدصادق فاتح یزدی در طی سالیانی چند با استعمارزارعین یزدی، آواره ساختن کشتکاران حاجی‌آباد کرج و استثمار بیرحمانه

بقیه در صفحه ۲

برخورد مقطعی با ارتش (۳)

دکتر حبیب‌اله پیمان

برخورد بامسئله ارتش در این مرحله نمیتواند خارج از چارچوب شرایط کنونی انجام‌گیرد. در ایجاد این شرایط چند عامل اصلی دخالت دارند. اول ـ کیفیت پیروزی انقلاب و وضعیت نیروهای پیشرو. دوم ـ موفقیت و طرحهای دشمن در برابر انقلاب. به‌عبارت دیگر موفقیت ضد انقلاب، سوم ـ شرایط خاص جامعه ایران از لحاظ قومی ـ سیاسی و جغرافیائی و آثار فرهنگی ـ سیاسی و اجتماعی که از حاکمیت چند ساله رژیم سابق برجای مانده است و سرانجام چهارم ـ شکل ایده‌آل مناسبات حاکم بر یک ارتش اسلامی.

چنانکه می‌دانیم سرعت پیروزی انقلاب ایران و کوتاهی دوران برخورد مسلحانه بارژیم ـ اجازه نداد تا نیروی مسلح توده‌ای اسلامی رشد و تکامل یابد. معمولا" یک ارتش انقلابی درمدت زمان کافی طی مبارزه با دشمن همراه‌با آموزش سیاسی و مکتبی تشکیل‌و تکامل‌می‌یابد. ابتدا هسته‌های مقاومت مسلحانه برمبنای انگیزه‌های سیاسی ـ مکتبی تشکیل میشود و این هسته‌ها رشد می‌کنند و درهم ادغام میگردند. میدان عمل وتجربه که نتیجه مقابله دائمی سیاسی ـ نظامی با دشمن است، سبب رشد توانائیها و مهارتهای نظامی و شعور سیاسی و آگاهی مکتبی در آنها میشود. گسترش و مردمی شدن آن هسته‌های مقاومت مسلحانه را از انزوا خارج میسازد و تدریجا" ابعاد مردمی بآن می‌بخشد. در مسیر تکامل خود نیروهای مسلح انقلاب بدوبخش‌عمده تقسیم میشوند:

بخشی که محور مقاومت مسلحانه است، یعنی ارتش آزادی‌بخش و منظم انقلاب و بخش بعدی نیروهای چریکی انقلابند که در سراسر سرزمین‌های پیکار پراکنده و مشغول نبرد هستند. ارتش منظم انقلابی در مراحل نهایی و وقتی زمان برخوردهای‌منظم باارتش دشمن نزدیک مشود، تبلور می‌یابد و رشد می‌کند و ضربه نهایی را با حملات منظم به پایگاههای اصلی رژیم و به قدرت رزمی آن وارد می‌آورد. نیروهای چریکی به همراهی ارتش منظم‌مردمی بعداز پیروزی که بادرهم شکستن و متلاشی شدن کامل ارتش دشمن همراه است. وظیفه‌پاسداری‌از انقلاب و مبارزه با بازمانده قوای دشمن را برعهده می‌گیرند و از تمامیت‌کشور و دست‌آوردهای انقلاب‌و منافع و مصالح‌مردم در برابردشمنان‌داخلی و خارجی دفاع می‌نمایند.

بقیه در صفحه ۷

امام:

شوراها همه جا باید باشد

قسمتی از متن سخنرانی امام خمینی

در جمع گروهی از دانش‌آموزان و دانشجویان شهر سنندج در روز جمعه گذشته. (۷ اردیبهشت ۱۳۵۸)

... بانکهای ما را خالی کردند و رفتند، ملت را فقیر گذاشتند و رفتند نفت ما را سالهای طولانی دادند و پول نگرفتند به این معنی که عوض پول نفت برای امریکا پایگاه درست کردند. این توطئه‌ای بود بین این مرد خبیث و خائن با آمریکا که نفت ایران را میدادند برای امریکا و در مقابل شوروی پایگاه درست میکردند، پایگاههای آمریکا الان هم موجود است که شما این سد را به همت خودتان و به برکت اسلام شکستید. ... شما خیال نکنید که دولت به‌کردستان توجه ندارد، دولت نمیتواند، دولت نه‌اینکه **نمی** خواهد توجه بکند می‌خواهد و شب و روز هم درکار است، من اطلاع دارم شب و روز در زحمت هستند و می‌خواهند این خرابه را آباد کنند لکن خرابی آنقدر است که بدون اینکه مدتی بگذرد و مهلتی باشد کاری از پیش نمی‌رود. **مع‌الوصف** این مهلت را خائنین نمی‌دهند، کارخانه‌ها باید راه بیفتد، چرخ مملکت باید راه بیفتد ولی اینها نمی‌گذارند کارخانه‌ها کار بکنند، کشاورزی باید راه بیفتد تا اینکه مملکت آباد بشود. همین **خائنین** که تتمه رژیم سابق هستند و نوکرهای آمریکا و غیرآمریکا هستند از کشاورزی هم ممانعت می‌کنند مدارس باید کار خود را ادامه بدهد، مدارس را هم تعطیل می‌کنند، هر چیزی را که برای این مملکت فایده دارد و برای رفع گرفتاری اقشار این مملکت فایده دارد عمال آمریکا مانع از آن می‌شوند هر روزی به یک صورت مردم را بسیج می‌کنند...

... لکن من **امیدوارم** که به خواست خدا و به عنایتی که‌به‌این مملکت اسلامی دارد و به خواست و همه برادرها، همه اقشار این مملکت، این اشکالات رفع بشود. اما قضیه اینکه کارهای هر کجا باید

بقیه در صفحه ۲

توطئه امپریالیسم امریکا در خلیج فارس

سناتور "برد" که اخیرا از خاورمیانه بازگشته‌است گفت. عربستان سعودی از ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی خواسته که در مورد امنیت در جزیره هرمز یعنی محل عبورکشتیهای نفتکش‌ازطریق مداخله قوای نظامی به این کار مبادرت کنند در تائید این موضوع یکی ازاعضاء خدمات نظامی این کشور گفت که عربستان سعودی بدون کمک خارجی قادر نیست در برابر تهاجم یک نیروی خارجی از خود دفاع نماید.

جالب توجه است که بطور متوسط در چهار دقیقه یک کشتی نفتکش از تنگه هرمز عبور میکند و اصولا نفت کشورهای عربستان سعودی، کویت، امارات عربی، قطر، عمان، بحرین و ایران ازطریق تنگه هرمز صادر میشود.

پیروز باد مبارزات مستضعفین جهان

سخنی با خواننده :

استقبال گرمتان را ارج می‌نهیم

احساس نیاز به ضرورت وجود نشریه‌ای اسلامی ، در وانفسای انتشار رنگین‌نامه‌ها و ننگین‌نامه‌ها که همهٔ هَمّ خود را مصروف جعل و قلب حقایق و حادثه‌آفرینی و تاخت و تاز به انقلاب اصیل و مردمی ما و . . . ، جهت روشن ساختن حقایق قرآنی و تبیین رسالت نیروهای انقلابی و اصیل اسلامی در مرحلهٔ فعلی جنبش و شناساندن **دوستان** و دشمنان خلق به توده‌ها و آگاهانیدن و بسیج آنان در **دفاع از** دستآوردهای انقلاب اسلامی و ایجاد حلقهٔ ارتباطی بین **تمامی** نیروهای پیشتاز و مؤمن به آرمانهای نهضت توحیدی **و افشاء** توطئه‌های رنگارنگ ضد انقلاب ، ارتجاع و عناصر فرصت**طلب و ادامه** مبارزه برهبری امام خمینی تا بر قراری مناسبات عادلانه **اسلامی تنها** محرک و باور ما در انتشار نشریه "امت" بود .

از اولین لحظه اعلام تصمیم به انتشار "امت" **خواهران** و برادران فراوانی ما را با دادن مقاله و شعر ، پیاده کردن **نوار** مصاحبه و تصحیح اوراق‌چاپی ، صفحه‌بندی روزنامه‌مرهون الطاف **خود** ساختند.

انتشار اولین و دومین شماره "امت" در دو **هفتهٔ** گذشته فرصتی به‌ما داد که ازنزدیک شاهد عشق و علاقه خواهران و برادران بیک نشریه اسلامی متعهد و خلاء حاصل از کمبود این نوع **نشریات در** میهن عزیزمان باشیم .

ما شاهد چهره‌های افروخته و چشمهای کنجکاوی بودیم **که از** "امت" انتظار پر کردن این خلاء را داشتند .

ما شاهد استقبال پر شور خواهران و برادران تهرانی و شهرستانی‌ای بودیم که بدون درخواست هیچ پاداشی و با صرف هزینه‌هائی نیز آمادگی خود را برای توزیع نشریه اعلام و با کوشش مستمر به پخش هرچه وسیعتر آن اقدام ورزیدند .

ما شاهد تلاش خواهران و برادران دانشجو ، دانش‌آموز، کارگر، کارمند و پیشه‌وری بودیم که پس از پایان ساعات کار خود بتوزیع نشریه جهت هرچه بیشتر گسترش دادن اندیشهٔ انقلابی اسلامی میپرداختند .

با سپاس فراوان از این عزیزان ، به پاکی سوگند یاد میکنیم که به آرمانهایشان وفادار بمانیم و در جهت هرچه بیشتر برآوردن خواسته‌هایشان گام برداریم .

با ایمان باین اصل که موفقیت ما در طی این طریق مرهون همکاری نزدیک و دادن رهنمودها و انتقاد از کژیها از جانب خواهران و برادران میباشد .

بامید پیروزی

سرمقاله

بقیه از صفحه ۱

آنها را غصب ، فرزندان آنها را اعدام ، قیامهای آنها را سرکوب ، اموال و محصول آنها را غارت ، فرهنگ و شخصیت و غرور آنها را لگدمال کردند . اکنون از انقلاب انتظار دارند بسرعت رفع ستم کند– اگر جبران خرابیها وقت میخواهد ، سرمایه و پول و امکانات **میخواهد** رفع شر فئودالها و غاصبین اراضی ، ماموران حکومتی **و اداری رژیم** سابق و احترام گذاشتن به شخصیت ، به فرهنگ و به**حقوق آنها و دادن** حق تعیین سرنوشت و شرکت دادن در اداره امور **فقط به بینش و** قاطعیتی انقلابی احتیاج دارد .

اگر بحران اقتصادی وبیکاری کارگران عموما مربوط به جنایتهای عمال رژیم سابق است وبرای رفع آن به وقت و امکانات احتیاج است، خلع ید ازسرمایه‌داران بزرگ و غارتگری که خود درفراهم آمدن وضعیت موجود واستثمار کارگران سهیم‌اند . فقط قاطعیت انقلابی لازم دارد .

تاکنون با این غارتگران بیت‌المال و منابع و ثروتهای مملکتی و استثمارگر چه کرده‌ایم – کسانی که با پول مردم (گرفتن اعتبار از بانکها)و با ثروت طبیعی مملکت و با نیروی کار زحمت‌کشان میلیاردها سود بردند .

و اکنون پس از چند روزی که از ترس انتقام خلق به گوشه‌ای خزیدند ، بار دیگر با اطمینان خاطر به صحنه بازگشته –همان شیوه گذشته را پیش میگیرند .

با صاحبان و مالکان بزرگ مستغلات که از راه دزدی و غصب اموال و حقوق مردم و اراضی ، خون ملت را در شیشه کردند و مستضعفان را از خانه و مسکن محروم ، چه کرده‌ایم ؟

با صاحبان و غاصبان اراضی که از راه زمین‌بازی میلیاردها دسترنج حقوق‌بگیران و محرومان جامعه را به جیب زدند و هم‌اکنون هم در پشت سنگر "تقدس مالکیت" از منافع نامشروع خود دفاع و پاسداری میکنند چه کردیم !

از غاصبین اراضی دهقانان ، شرکتهای سرمایه‌داری کشاورزی ، چرا بسرعت خلع ید نمیکنیم صنایع بزرگ و موسسات تولیدی و تجاری و بانکها را که وسیله استثمار شدید خلق و غارت مصرف‌کننده و زیان به اقتصاد کشور و عامل وابستگی مملکت به سرمایه‌داری توسعه‌طلب بیگانه بوده و هست چرا در اختیار **ملت قرار نمی‌دهیم** ؟

مناسبات استبدادی و ضدمردمی و ضداسلامی در سازمانهای اداری و در وزارتخانه‌ها پا برجا مانده‌اند و بسیاری عناصر وابسته به رژیم سابق و فاسد و نالایق همچنان در راٌس کار! . این عناصر دارند جاپای خود را مجددا" محکم میکنند –و مناسبات غلط گذشته‌را که‌در اثر انقلاب تاحدی سست شده بود ، محکم می‌نمایند ، چرا نبلید با قاطعیتی انقلابی و بینش اسلامی و علی‌وار سازمانهای مملکتی را از عناصر ناصالح که پستهای حساس در اختیار دارند ، تصفیه کنیم .

جز بازداشت و اعدام خائنین توسط دادگاههای انقلاب دست به انجام کدام تغییرات انقلابی زده‌ایم ؟

فکر نمیکنید که شور انقلابی دارد فروکش میکند ، کارها بد روال سابق بازمی‌گردد ، **مناسبات پیشین بعد از یک تزلزل موقت تثبیت** می‌شود ، همان سرمایه‌داری ، همان کارخانه‌داری ، **همان تجارت و** معاملات ، همان بانکداری و مستغلات‌سازی ، همان **مناسبات اداری و** همان ملک‌داری ، رواج دارد .

وزارت آبادانی و مسکن اعلام میکند که به بخش **خصوصی برای** خانه‌سازی وام میدهیم و بهره آنرا از ۱۲ درصد به ۹ درصد **تعلیل** میدهیم .

آن دیگری میلیاردها وام در اختیار صاحبان کارخانه‌ها وصنایع قرار میدهد .

این اقدامات با اقدامات رژیم **گذشته چه** فرقی دارد؟ و سود آنرا به جیب کدام مردم سرازیر میکنند – چرا این اعتبارات را به شوراهای مردمی و به شوراهای کارگری نمیدهید مگرکارگران ومهندسان جهان چیت ثابت نکردند که خیلی بهترازکارفرمای دزد سابق کارخانه را اداره میکنند و حتی موفق شده‌اند در شرایط‌کنونی ودرمدت بسیار کوتاه سطح تولید را هم بالاتر ببرند .

این خطر هست که روحیه و اخلاق و فرهنگ انقلابی اسلامی که داشت بر رفتار مردم حاکم میشد تحت تأثیر شرایط موجود مجددا" جای خود را بهمان اخلاق گذشته بدهد .

کاباره‌ها و رقص و شب‌نشینی‌هایی برای طبقات بالا دائر شود ، **بی‌تفاوتی و خودخواهی** جای گذشت و ایثار و تقوی انقلابی را بگیرد، هرکس بدنبال منافع شخصی خویش و بی‌اعتنا به مصالح **جامعه و** ارزشهای اخلاقی ، روشهای گذشته را پیش گیرد –و درست در **همین** موقعیت حساس – دستگاههای تبلیغاتی انقلاب خاموش‌اند **وسائل** ارتباط جمعی بازدهی منفی دارند و اعتماد مردم را از دست‌**داده‌اند.**

چاره چیست :

به مردم اعتماد کنیم و بر مبنای معیارهای **انقلاب اسلامی عمل** نمائیم هر روز که در انجام تغییرات **انقلابی و حل ریشه‌ای مشکلات و** نابسامانیها تاخیر شود –**کار دشوارتر و پایه‌های ارتجاع محکمتر** می‌شود، **عناصر سابق** موقعیت خود **را تثبیت میکنند و آمادگی** رزمی انقلابی **مردم کمتر میشود** . ضدانقلاب بر اوضاع بیشتر مسلط میشود و زمینه **برای فعالیت** فرصت‌طلبان هم بهتر فراهم می‌گردد .

تا **اثری** از شور انقلابی مردم برجای **است** به کمک واتکاء به**آنان** **بر همه** مناسبات پوسیده طاغوتی و بر **عناصر** پاسدار آن هجوم **برید–** **تا فریاد** بزرگترین انقلابی معاصر امام‌خمینی درفضای‌ایران‌**طنین‌انداز** **است تا رهبران** دردمند و مجاهدی چون طالقانی لب از **سخن گفتن** **فرو نبسته‌اند** ، تا **مجاهدان** و پاسداران‌ازجان‌گذشته‌ا**نقلاب، اسلحه‌ها** **را زمین نگذاشته‌اند** تا مردم محروم ، کارگران ، زنان **و**روشنفکران دلیر **و هوشیار ما آ**ماده همه‌گونه **فداکاری** هستند و میدان **را** ترک نگفته‌اند– تا ضد **انقلاب** بیش از این از **اطراف** کشور ما را در محاصره توطئه و آشوب و **جنگ** و نزاغ نگرفته و فرصت**طلبان** فضا را بیشتر از این مسموم نساخته‌اند و **تا** فرصت نفس کشیدن ، **کار** کردن ، جنگیدن‌داریم قدرت عمل و استعداد عناصر و نیروهای **انقلابی** جامعه را بسیج کنیم وکسانی را که سالها برای آزادی و برای پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه کردند ، قلم زدند ، و زندان و تبعید و شکنجه و محرومیت تحمل کردند .

کسانیکه سالها در میان مردم زیستند با آنها جنگیدند ، با مسائل آنها آشنا شدند ، مشکلات و ریشه‌های آنان را از نزدیک می‌شناسند و کمتر اسیر ضعف‌های شخصیتی و خودخواهی و جاه‌طلبی و در اندیشه کسب جاه و شهرت و مقام اند، بخدمت گیریم .

آری تا وقت باقی است و تا دیر نشده است و تا امام هست و مردم هستند کاری بکنیم .

* * * *

برادر کارگر شهید حسین نیکوکار از کارگران کارخانه جهان چیت

(شهادت ۸ اردیبهشت ۱۳۵۰)

لطفا" وجوه نشریات امت را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نمائید .

کشتار کارگران ...

بقیه از صفحه ۱

کارگران و استثمار مضاعف کودکان و کارگران زن و ۱۲ ساعت کارکشیدن از کارگران و برقراری حاکمیت قانون مفرغ مزدها به سرمایهٔ هنگفتی دست یازید .

محمدصادق فاتح یزدی زالوصفت املاک وسیع و کارخانه‌های **فراوانی داشت** ، از جمله :

– **کارخانجات** جهان چیت ، روغن‌نباتی جهان ، آرمه ، انترتول **و انترلوب و سردخانهٔ** عظیم جهان و باغهای وسیع میوه در کرج .

– **املاک وسیع** و کارخانجات پتوبافی و پشمبافی در یزد .

– **کارخانه کبریت**‌سازی در مشهد .

– **باغها و کارخانجات** چای در شمال .

– **املاک وسیع در** شهریار .

و . . . .

این سرمایه‌دار جانی که خون زارعین و کارگران را به شیشه **میکشید برای حفظ و** تداوم موقعیت و سرمایه‌اش در مقابل قیام **مستضعفین نیازمند ، پشتیبانی** حکومت شاه بود . تا با اولین اشاره او **آنچنانکه در اردیبهشت** ۵۰ ، درخواستهای زحمتکشان را با گلوله پاسخ **گوید . او روابط حسنه‌ای** با شاه جلاد و خانوادهٔ کثیف پهلوی داشت **و آنان را در قسمتی از** دزدیهایش شرکت میداد .

برای اینکه فاتح یزدی باین سرمایه کلان دست یازد ، لازم بود **بگونه‌ای که امام علی*** میگوید ، هزاران روستائی یزدی در فقر جانکاه **بسوزند** . کشاورزان حاجی‌آباد آواره شوند ، کارگران مرد و زن جهان **چیت جوانی و شادابی** خود را در کارگاهها و کارخانجات فاتح یزدی **با پیری و افسردگی زودرس** و مرض ناشی از کار زیاد و شرائط غیرسالم **محیط کار بپایان** برند و بالاخره کارگران دلیرروانه سیاه‌چالهای سازمان **امنیت شوند** و هدف گلوله‌های مسلسلهای آمریکائی و اسرائیلی عمال **شاه خائن قرار گیرند** .

فاتح یزدی منافقانه جهت عوامفریبی از میلیونها تومان دسترنج **بغارت برده** رنجبران دست به تأسیس موسسات "خیریه" نیز میزد . لیکن دیرگاهی است که رشد شعور و شناخت اسلامی خلق مستضعف ما ، پرده از چهره کریه این مستکبرین مترف عوامفریب ، این سدهای راه تکامل انسان و راه خدا برداشته و به ماهیت ضدخلقی آنها آشنا گشته و در این بهار آزادی خواستار سلب مالکیتهای غیراسلامی و غیرمشروع آنان بنفع توده‌های مستضعف میباشد .

و این گزارش پرده‌ای از جنایات بیشمار فاتح یزدی .

کشتار کارگران جهان چیت از . . . .

در دهه اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۰ ، کارگران کارخانه جهان‌چیت **که اکثرا" از روستاهای یزد** و مناطق ترک زبان بعلت مشکلاتی که‌سیاست **ضدخلقی و استعماری رژیم طاغوتی** در زمینهٔ کشاورزی پیش‌آورده بود **که اهم آنها عبارت بودند از :**

فشار ارباب و دولت ، نبود وسائل کشاورزی ، نداشتن زمین ، **کمبود آب ، محرومیت از امکانات درمانی** و . . . . آواره شده و در **کارخانه جهان چیت تحت** شدیدترین استثمارها دستمزدی بین ۸۰ تا ۱۲۰ ریال **در روز قرار گرفته** بودند **بعنوان** اعتراض به شرائط سخت زندگی و عدم **کفاف** دستمزد دریافتی در برآوردن حداقل نیازهای ضروری انسانی : خوراک ، پوشاک و مسکن ، پس از بارها مراجعه‌به کارفرما ، وزارت کار شعبه کرج ، و شنیدن تهدیدها و وعده و وعیده‌ها دست از کار میکشند .

کارفرما و عواملش با پشتیبانی دولت جوی در کارخانه بوجود آورده بودند که قدرت کوچکترین درخواست صنفی را نیز از کارگران سلب نموده بودند . از جمله قبل از کشتار اردیبهشت ۵۰ آقای اکبر میرعلی را بعلت اعتراض به کمبود دستمزد و درخواست ۲ ریال‌اضافی حقوق به سازمان امنیت کرج معرفی میکنند . شخص نامبرده بعدها برای دوستانش نقل میکند که در مسیر کارخانه تا سازمان امنیت کرج از ترس،

بقیه در صفحه ۶

سخنان امام ...

بقیه از صفحه ۱

بخودش واگذار شود و امور هر جائی به خود آنها محول گردد ، اسلام و ما هم [illegible] نه‌تنها شما هرجا در هر استانی و در هر جائی باید همانطوری که از اول قانون این معنی را میرساند باید شوراهای ایالتی و ولایتی باشد اینها در صددند و مشغولند وطرح‌ریزی می‌کنند مسائل خود شما با خود شما باید باشد . انتخابات مال خود شماست و خود باید انجام بدهید . . . .

* * *

تا برقراری جامعه بی طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد



• اطاعتی را که ملت ما از آقای خمینی کرد این اطاعت را نه امت از پیغمبر کرد نه یاران ائمه از امام •

پیام استاد:

راهی را که دکتر رفت ادامه دهید

س: باتوجه باین تاریخچه‌ای که شما از حرکت اسلامی بیان فرمودید و برای ما توضیح دادید که در دوران اختناق رضاخانی تبلیغ اسلامی نبود و بعد هم که عوامل قدرتهای بیگانه: حزب توده و یا فراماسیونها و ایادی انگلستان و بعدها آمریکا کوشش میکردند هرگونه امکان را از حرکت اسلامی سلب کنند و حرکت اسلامی از نظر کمی و کیفی در سطح بسیار پایینی بود و امروز که حرکت اسلامی چنین گسترش عظیمی پیدا کرده و مردم ما بحمداله موفق شده‌اند اولین جمهوری اسلامی را در جهان بوجود بیاورند باتوجه باینکه به گفته امام راه بسیار طولانی‌ای را در پیش داریم و در اولین قدمهایش هستیم ـ ولی خودش یک موفقیت بزرگی است.

چه احساسی دارید باتوجه باینکه شما آن دوران اختناق را احساس کردید. آن دوران کمبود معلم و کمبود کتاب در زمینه‌های مختلف اسلامی؟

ج: والله من از جهات زیادی به این نهضت و به این پیروزی امیدوار هستم. اولا" شما اگر اطلاعی از آن دوره داشته باشید میتوانید حالا با مقایسه با زمان کنونی ما درک بفرمائید که ما در چه فشار و سختی‌ای بودیم و حالا جوانهای ما چه استقبالی از مذهب، کتب مذهبی، مجامع صحیح مذهبی می‌کنند. بنده باید این را عرض کنم که برای اینکه نمونه‌ای دست شما داده باشم اولی که ما دوره‌ها را شروع کردیم بنده تا ۶ ماه روی تبلیغات بسیار شدیدی که علیه مذهب در زمان سلطنت پلید رضاخانی شده بود، یک بغض‌وعناد شدیدی بوجود آمده بود از اینکه ما اسمی از خدا، پیغمبر، امام ببریم یا کلمه‌ای از قرآن و حدیث و روایت نقل کنیم. اول را باین صورت من شروع کردم که آنچه که به ذهن ما میآید اگر اثبات و نفی‌اش برابر است این شک است، اگر یک‌طرف می‌چربد آن طرفیکه نیرومندتر است ظن است و طرف ضعیف وهم است و اگر آن طرفیکه می‌چربد به مرحله‌ٔ قطع میرسد این دو قسم است از این قطع مخالف واقع است جهل مرکب است. اگر مطابق واقع است یقین است. حالا آیا ما میتوانیم در اموری یقین پیدا کنیم؟ با مقدماتی که آنجا طرح کردیم اثبات نمودیم دسترسی به یقین داریم بعد که به یقین رسیدیم آنوقت مردم دنیا را دو دسته می‌بینیم. یک دسته دینداران، و یک دسته بی‌دینان، دین‌داران عبارتند از کسانیکه به خدا و فردا و واسطهٔ بین خدا و خلق ایمان دارند بی دینان کسانی هستند که به یکی از این سه تا یا هر سه ایمان ندارند.

حالا که ما میتوانیم به یقین برسیم. میتوانیم قضاوت بکنیم که آیا راه بی‌خطر و سودمند و نافع راه دین است یا راه بی‌دینی است؟ از اینجا بحث دین و بی‌دینی را شروع کردم که بعد از مدتها دیگر وارد شدیم در آیات قرآن و احادیث، مقصودم اینجاست که تا شش ماه بعلت تبلیغات مسمومی که شده بود در دورهٔ پهلوی ما اسمی از قرآن و حدیث، اسمی از خدا و پیغمبر و امام، مصلحت ندیدیم ببریم.

بعد از شش ماه با این کیفیت وارد بحث دینی شدیم تا اینکه در بین ادیان آن دینی را که زنده است آن دینی که محفوظ مانده کتابش، تاریخش، شرح حال پیغمبرش از اول ولادت تا ساعت وفات کدام دین است؟ که البته او اسلام بود حالا فهرستش را نقل می‌کنم اینجا شش ماه بحث بوده آنوقت رسیدیم به اینکه اسلام چیست و وارد شدیم ملاحظه بفرمائید که وضع ما چطور بوده و در این دروه‌ها که در منازل بود بچه‌ها هرکدام پیش‌قدم‌می شدندکه آقا جلسه بعد منزل ما می‌گفتیم خیلی‌خوب هفتهٔ بعد بنده تفسیر به زیر بغلم می‌رفتم در منزل حسن‌آقا فرضا" در می‌زدیم، در بسته بود کلفتش می‌آمد، ننه، حسن‌آقا کجاست؟! حسن‌آقا صبح رفته سر ملکشان بیرون شهر. خوب چیزی نگفته امشب اینجا جلسه است؟! نه به ما چیزی نگفته. در را می‌بست. ما برمیگشتیم سر کوچه بتدریج که چند نفری جمع می‌شدند کسی که منزل بزرگتری داشت او جمعیت را می‌برد، دوسه نفر را آنجا می‌گذاشتیم که کسانی که می‌آیند در منزل حسن‌آقا به این آدرس مراجعه کنند. کیفیت تبلیغ ما به این صورت بود ما دنبال محصل میرفتیم ما دنبال مستمع میرفتیم و آنها دنبال ما نمی‌آمدند و به چه سختی‌ها توانستیم این دوره را بگذرانیم تا وقتیکه اینها مأنوس شدند با امور مذهبی بعد کانون موج میزد از جمعیتی که راه‌بندان میشد درآنجائیکه بنده صحبت میکردم. ولی اولش به این کیفیت بود. حالا شما اینهمه کتابهای مذهبی ملاحظه می‌فرمائید که تیراژ کتابهای مذهبی خوب الآن از تیراژ کتابهای دیگر در کل بیشتر است. جوانها کتاب‌خوان شده‌اند، جوانها عرض‌کنم طالب دین شده‌اند، طالب امور مذهبی شده‌اند و اینکه دکتر وقتیکه شروع کرد ۵ تا ۶ هزار مستمع از دانشجو و غیردانشجو به سخنش گوش میدادند و با حرص و ولع حتی از اصفهان و ساری شبهای جمعه می‌آمدند برای درس دکتر این نتیجه چندین سال زحماتی بود که قبلا" کشیده شده بود. بنده در مشهد کشیده بودم آقای مهندس بازرگان اینجا کشیده بود و آقای طالقانی کشیده بودند و سایر آقایان که زمینه مستعد بود و ایشان هم الحمدالله بهترین بهره‌برداری را از این توجه نسل جوان بطرف مذهب کردند.

س ـ راجع به اینکه امروز همانطوریکه امام خمینی هم فرمودند که مردم ما، ملت ما موفق شدند اجانب را بیرون از کشور بریزند و رژیم شاه را هم سرنگون بکنند البته نه در تمام ابعادش هنوز پایه‌هایی از آن رژیم برقرار است، برای اینکه دومرتبه ارتجاع رجعت نکند و دومرتبه رهبری را در دست نگیرد و ضد انقلاب پیروز نشود شما چه رهنمودهایی را پیشنهاد می‌کنید؟ چه کارهایی را باید حرکت اسلامی انجام بدهد که آنها برای همیشه دستشان قطع شود و انشاءالله دیگر نتوانند همان کار را که بعد از ۲۸ مرداد انجام دادند یا اینکه توطئه‌ای را که بعد از وفات پیامبر انجام شد دوباره تحقق پیدا کند برای جلوگیری از این امر چه پیشنهادی شما میفرمائید؟

ج ـ این پیشنهاد بنده که از پیام بنده است به تمام ملت، برای اولین دفعه در دانشگاه مشهد در یک سخنرانی بنده طرح کردم و بعد هم در موارد مختلف اینرا تکرار کردم. یک خطبه‌ای دارد مولی امیرالمومنین (ع) معاویه وقتی فهمید که اصحاب علی چنانکه باید فرمان علی را نمیبرند و گوش نمی‌کنند مجهز میکرد یک دسته از ارتش جنایتکارش را و زیر نظر یک افسر جانی و به نواحی کشور علی حمله میکردند برای اینکه مردم را مرعوب کنند می‌کشتند و می‌بستند و غارت میکردند و می‌رفتند و تا حضرت اطلاع پیدا میکرد و عده‌ای را به تعقیب آنها می‌فرستاد اینها به طرف شام میگریختند و حضرت هم به مرز شام که میرسید.

رمز پیروزی

برای اینکه بی‌گناهان صدمه‌ای نه‌بینند از آنجا برمیگشت از جمله اینها یکی (نصربن ارتاد) بود این نصربن ارتاد بسیار مرد پلیدی بود در آخر هم با یک بیماری جنون‌آمیز مرد که اسمش را بیماری شمشیر گذاشته بودند. تا این مرد حمله به انبار کرد. (انبار شهری بود نزدیک همین کوفه که پایتخت علی بود،) به آنجا حمله کرد و قشون مولی را خلع سلاح کرد. و بعد ریختند به یمن عده‌ای را کشتند. استاندار شهر عبیدالله‌بن عباس که پسرعموی حضرت بود تا احساس کرد نصربن میآید فرار کرد. و این نانجیب وارد خانهٔ عبیدالله شد و دوتا پسر ۵ و ۶ سالهٔ عبیدالله را جلوی مادرشان سر برید که این زن دیوانه شد.

و در کوچه‌ها و خیابانهای یمن، شعر میخواند، مرثیه میخواند برای بچه‌هایش گریه میکرد. همه مردم به حالش میگریستند. در این مورد حضرت که می‌شنود یک خطبه دارد.

از جمله مطالب آن خطبه این قسمت است که من عرض کردم. هم بعنوان پیام به مردم هم شما که اهل قلمید این را بهر کیفیتی که میدانید به گوش مردم برسانید و توضیح بدهید و تشریح کنید و تکثیر کنید. تا همه بفهمند. حضرت خطاب میکند به یاران خودش میگوید (فوالیه انی . . . .) بخدا قسم من گمان میکنم که دولت اسلامی را مردم شام قبضه کنند. شما رعایای آنها نشوید چرا؟ برای چهار صفت که در آنهاهست و چهار رذیلت که در شما هست.

آن چهار صفت آنها عبارتست از اتحادشان در راه باطنشان و تفرق شما در راه حق. دوم اطاعت‌شان از پیشوای باطنشان و معصیت شما در برابر پیشوای برحقتان. سوم امانت‌داری در محیط خودشان و با مردم خودشان و خیانت‌کاری شما. چهارم اصلاح آنها و فساد شما (عبده در پاورقی میگوید و درست هم میگوید): از بیان مولا چنین برمیآید که هر طایفه‌ای ولو به باطل باشند ـ ولوطایفه‌ای باشند که پیشوایشان معاویه باشد و بدتر از معاویه اگر این چهار صفت را داشتند حتما" پیروزند. ملت اتحادش را خیلی خوب حفظ کرد. تا روز سقوط این رژیم پلید و رفتن این فرد پلید. اطاعتش از پیشوایش نظیر نداشت یک مردی که در تبعید بود به محضی که بیانیه‌ها و اعلامیه‌های ایشان از نجف یا از فرانسه میآمد روز دوم در دست همهٔ مردم این اعلامیه‌ها و بیانیه بود و همه اطا[illegible]کردند. با همه خطراتی که اطاعت از این اعلامیه داشت وقتی میگفت شما تحصن اختیار کنید، وقتی میگفت درها را ببندید وقتی میگفت راه‌پیمائی کنید، بدون تخلف تمام ملت ما میکردند. باکی از ضرر و زیانشان در موقع تعطیل کارشان نداشتند باکی از اینکه جانشان را میدهند. در این راه‌پیمائی‌ها که چقدر از افراد شهید شدند، نداشتند در این راه‌پیمائی‌ها کوبیده شدند و جوانهای ما جلوی گلوله رفتند و باز رفتند و اطاعت کردند. اطاعتی را که ملت ما از آقای خمینی کرد. این اطاعت را نه امت از پیغمبر کرد نه سایر یاران ائمه از امام کردند. سراسر نهج‌البلاغه پر است از درددلهای علی از اینکه از او اطاعت نمیکنند: (برید . . . .) و به مردمی مبتلا شدم که وقتی دعوت میکنم جوابم نمیدهند وقتی فرمان میدهم اطاعتم نمیکنند. آن خطابه‌های آتشین یا (اشباح‌الرجال. . . . و عقول رباطا) ـ ای افرادی که در ظاهر مردید و مرد نیستید. افکار بچه‌گانه و آمال نسوان دارید. ای کاش شما را نمی‌شناختم. شما را نمیدیدم. شناختی که پشیمانی بارآورد و اندوه داد. این خطابات مولی در سراسر نهج‌البلاغه از تمرد یارانش است و در برابر خود پیغمبر امت مکرر ایستادند. پیغمبر وقتی غنائم را میخواستند تقسیم کنند با واعتراض میکردند. در قضیه قرارداد حدیبیه پیغمبر وقتی قرارداد را بست بخصوص عمر با فریاد گفت تو ذلت مسلمین را امضاء میکنی چرا چنین میکنی با او اعتراض کردند. بعد پیغمبر فرمود از پشت دروازه‌های مکه دیگر باید برگشت. گوسفندهایتان را قربانی کنید اینها گفتند ما مکه نرفتیم، طوافی نکردیم، سعی بین صفا و مروه نکردیم. چرا قربانی کنیم.

بقیه در صفحه ۶

اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز دررابطه با ترور قره‌نی

بسم‌الله

در شرایط حساسی که دشمنان خلق از هرسو برای تضعیف انقلاب میکوشند و مزدوران رژیم سابق و امپریالیسم، ارتجاع، تفرقه و نزاع و چنددستگی بین مردم و آشوب و ناآرامی را در کشور دامن میزنند، ترور سرلشگر قره‌نی یک ماجراجوئی ضدانقلابی است که مستقیما" بسود دشمنان ملت ایران تمام میشود. این اقدام کاربرد خشونت و ترور را تشویق کرده، محیط آزاد و آرامی که برای تکامل انقلاب اسلامی ایران ضروری است برهم میزند. جنبش مسلمانان مبارز این‌گونه اعمال تروریستی و ضدانقلابی را بشدت محکوم میکند و مسئولیت دولت و همه نیروهای اصیل انقلابی را در حفظ دستاوردهای انقلاب و دفاع از آن در برابر دشمن یادآور و تأکید مینماید.

جنبش مسلمانان مبارز

۵۸/۲/۵

وحدت نیروهای انقلابی مسلمان ضامن پیروزی ماست

تو زاده شو !

"علی موسوی گرمارودی"

وقتی که دستها می‌شکوفد
و شهادت سرخ
ارمغان برگریز خزان است
و سینه‌ها :
فواره‌های جاری گلگون ،
و کینه :
تنها گلوله‌ی پنهان ،
و انفجار فریاد ،
تنها سلاح ایمان :
تو زاده شو
در نقطه‌ی میانه‌ی این فصل ،
در خزان !

* * *

وقتی که آب
جاری‌تر از سرشک ،
جاری‌تر از خون :
نیست
و سپیدار سز
به نماز شقایق
قامت می‌بندد
و کوه ،
از شکیب باستانی خود
در رنج است
و برگریز خزانی
تن‌پوش ارغوانی گورهای ناشناخته است ،
تنها تو زاده شو
در قلب ارغوانی این فصل .

* * *

وقتیکه دستهای درختان
از میوه‌ی سپیده ،
تهی است ،
و در هر شاخه ، تبر نهند ،
شیره‌ی گیاهی خون
می‌جهد برون
و صدای رگبار
با صدای کلاغان ،
در آمیخته است
خفاش‌ها
از غارهای خواب عفن
برآشفته‌اند
و آفتاب را برنمی‌تابند
و از دهان هر فریاد
خورشید می‌جوشد :
تو زاده شو
در قلب نیمه‌ی این فصل :
در فصل سرخ مردن
در فصل مردن سرخ
تا عشق سبز
زنده بماند
در فصل نوبهاران
تا روز خوب یاران
تا روز و روزگاران

۵۷/۸/۱۶

تهنیت انقلاب

چیزی آرامش این جنگل در خواب فرو رفته‌ٔ تاراج زمستان را برهم زده است

چیزی از اعماق تجربه‌ها
– زیرزمین –
چیزی از نجوای ریشه و پیوند در آب
چشمه‌ها دارد میجوشد پشت سرهم
ریشه در آب دواندست بهار
مقدمت فرخنده
رودهایت جاری
[illegible] آبادان
روزگارت سرسبز
انقلابت جاوید
جاوید
جاوید بهار

مجتبی کاشانی

***

داستان

افطار شیرین

" بر خاک عاشقان وطن چون گذرکنی
هر دم نداز خاک رسد زنده باد عشق"

افطار شیرین . . .

ماه رمضان بود و غروب جمعه ،صحرای باز قبرستان "خواف"[۱] بی‌هیچ حصاری ، در سکوت مردگی خفته بود .تنها برجستگی‌های زمین نشان آرامگاه ساکنین آن بود ،گاهی کلاغی از بالای چنار بلند قبرستان پرواز می‌کرد ،ناله‌اش سکوت را غم‌انگیزتر می‌نمود .هرگز صدائی ازاین دشت باز برنمی‌خاست ،جز در غروبهای جمعه ،نه سال بود ، آری ، نه سال بود که غروب هر جمعه این فضای ساکت گوش به زمزمه‌ای داشت ، که به آرامی از گوشه‌شرقی قبرستان می‌آمد و با وقار ،آزادانه می‌ایستاد ، نگاهی بصحرا می‌انداخت و زیر لب چنین زمزمه می‌کرد :

–" السلام علیک یا اهل . . . "

پیامش شرین و سلامش بی‌تکبر بود ،لحظه‌ای سکوت می‌کرد،انگار بجوابش گوش می‌داد ،سپس به آرامی قدم برمی‌داشت ، شمرده و بی‌عجله راه می‌رفت ،گاهی می‌ایستاد و به قبری چشم می‌دوخت ، آهی می‌کشید ،انگار از غمی می‌سوخت ،و دوباره سرش را بالا می‌گرفت و به افق نگاه می‌کرد و تبسم می‌نمود .دو مأمور جوان مواظبش بودند و چند قدم عقب‌تر با تفنگ‌هایشان همراهیش می‌کردند. دراین نه‌سال با او آشنا شده بودند ،دیگر واهمه‌ای از او نداشتند ،آقا را خوب‌شناخته بودند و با او زیر چنار بزرگ می‌نشستند ، و آقا برایشان‌صحبت‌های شیرین می‌نمود ،کلامش دلچسب بود ،و به مامورین جوان دلگرمی می‌داد ،قصه‌های او ،قصه‌آزادی ،مرگ ،وباز زندگی بود ،آنهامی‌شنیدن و سئوال می‌کردند و می‌گفتند و آقا می‌شنید ،دیگر آقا محرم‌اسرارآنها شده بود ،با او درد دل می‌کردند ،آن غروب جمعه هم زیر چنار بزرگ نشستند ،مامورین تفنگ‌های خود را بکناری گذاشتند ،و به آقا چشم دوختند ،آقا خوشحال بنظر می‌آمد ،به آرامی از آنها پرسید :

– " روزه خسته‌تان کرده ؟ گرسنه‌اید ، ها . . ؟ "
– " نه زیاد آقا ، عادت کرده‌ایم . . . "
– " اجرتان با خدا . . .قبول باشد انشااله . . . "
– " همچنین مال شما . . .انشااله . . . "

لحظه‌ای سکوت شد ،باد خنکی می‌آمد ،و خورشید نیمه خیز در افق فرو رفته بود ، غروب نزدیک بود ،آقا نگاهی به افق انداخت و با انتظار گفت :

– " چیزی به مغرب نداریم ،نزدیک‌افطاره . . "

یکی از مامورین گفت :

– "تقریبا " ،خورشید داره پائین میره . . . " ،و آقا گفت :

– "خب ،یکروز دیگه هم داره‌تمام میشه .یه‌روز دیگه به‌اینهائی که اینجا خوابیده‌اند نزدیکتر شده‌ایم . . .روز من با روز شما و روزهمه اونهائی که تو این دنیایند داره غروب میکنه ،تا طلوع دوباره‌اش چه باشد . . . "

مامور پرسید :

– " روزامون با هم فرق نداره ؟ ! " آقا سئوال کرد :
– "یعنی چی جانم . . ؟ "
– " یعنی‌روز من با روز اونهائی که زندگی بهتر دارند . . . "

که آقا بمهربانی جواب داد :

– " حاصل همه روزها غروبه ،اما حرف در طلوع دوباره است، طلوع بعد از غروب ،طلوع با سربلندی یا با سرشکستگی . . ؟! "

که همان مأمور پرسید :

– " مثلا " چطور آقا . ؟ "

و آقا دنبال حرفشو گرفت و گفت :

– "مثلا " غروب یک ظالم با غروب یک‌مظلوم ، روز یک ارباب با روز یک بیچاره ،زندگی با سربلندی و زندگی با سرشکستگی . . . "

مامور بفکر آمد و مکثی کرد و پرسید :

– " چه چیز باعث سربلندی‌آدمه ؟ "

آقا جواب داد :

– " آزادی . " ،و مأمور گفت :
– " چه چیز باعث سرشکستگی آدمه . ؟ "

آقا گفت :

– " ذلت . " ،و مأمور دیگر پرسید :
– " ذلت یعنی چی . ؟ " ، آقا جواب داد :
– "یعنی هرچه بیت بگن قبول کنی بدون چون و چرا . . ؟،یعنی زیر بار زور بری و ظلمو قبول کنی ،دم هم بر نیاری ؛یعنی یار ظالم باشی و دشمن مظلوم . . . "

مامور با اشتیاق پرید تو حرف آقا و گفت :

– " چطور میشه با ذلت زندگی نکرد . ؟! "

آقا تبسمی کرد و گفت :

– " بفهمی که تو انسانی ،آزادی ،حق داری ، . . . همکار ظالم نباشی ،و تنها زندگی رو واسه‌شکم نخواهی . . . "

هر دو مامور از حرفهای آقا بفکر رفتند ،انگار دنیا برایشان بزرگترشده‌بود ،غروب می‌آمد ،و هوا بتاریکی می‌رفت ،کلاغها دربالای چنارهای قبرستان جابجا می‌شدند ، یک دسته پرنده ازآسمان‌قبرستان گذشت ،آقا نگاهی به اطراف‌انداخت ، بفکر آمد که دوستانش منتظرند تا دستورات امشب را بگیرند ،نگاهی به مامورین‌کرد ،بلند شد و گفت :

– " خب ،تا وقته برم رو چند تا قبر دیگه هم فاتحه بخوانم . . . شما همین جا استراحت کنید ،همین‌الان بر می‌گردم . . . "

یکی از مامورین جواب داد :

– " مانعی ندارد . . . ما منتظر می‌مانیم . . "

آقا به آرامی از آنها دور شد ،و همینطور که فاتحه می‌خواند برای دوستان با پا و گاهی هم با انگشتانش دستور می‌نوشت ،آخر بار مکث کرد ،و با انگشت رو خاک قبری نوشت :

– " خدا یارتان باشه ،زنده باد آزادی . "

به‌عقب نگاه کرد ،مامورین زیر درخت چنار منتظر بودند ،به عجله برگشت و به‌مهربانی گفت :

– "دیگه افطار نزدیکه ،بهتر برگردیم . . . "

و با هم برگشتند ،تا اطاق آقا چندان راهی نبود ،به اطاق که نزدیک شدند ،دو نفر را دیدن که جلوی درایستاده‌اند اولی جلوآمد و گفت :

– " سلام آقا . . .برای افطار مهمان ناخوانده نمی‌خواهید . . . "

آقا گفت :

– " مهمان همیشه محترمه . . . " و او گفت :
– "متشکریم . . " و نگاهی به مأمورین همراه آقا انداخت ،که‌آنها فهمیدن و آقا را با او تنها گذاشتند ،به اطاق که رسیدن دومی سلامی گفت و هر دو با آقا وارد اطاق شدند . سماور روشن بود و چای آماده، آقا فهمید ! نگاهی به آنها انداخت و گفت :
– " راضی به زحمت شما نبودم . . .چای رو آماده کرده‌اید . "

آنها چیزی نگفتند ،آقا نگاهی به‌افق انداخت و گفت :

– " هنوز کمی به افطا ر مانده . . . "

و بگوشه اطاق رفت و جانمازش را پهن نمود و گفت :

– "با اجازه شما . " و به نماز ایستاد ،اولی به آقا چشم دوخت ، و دومی در استکانی چای ریخت و بعد چیزی از جیبش بیرون آورد و با چای‌مخلوط نمود و با قاشق بهم زد ،آقا نمازش را تمام کرده بودکه اولی چای را جلوش نگهداشت ،آقا نگاهی به او انداخت و گفت :
– " برای خودتان ؟! " ،اولی جواب داد :
– " ما مسافریم ،روزه نیستیم . "که آقا با تبسم گفت :
– " همه مسافریم . " و او جواب داد :
– " میل بفرمائید ،برای شما است . "

آقا چای را مزه کرد و گفت :

– " عجب شیرینه . . .افطار شیرین ! " ،تبسمی نمود و چای را نوشید و دوباره به نماز ایستاد .آن دو در انتظار بودند و همچنان به او چشم داشتند که در نیاز بود ،و انگار نه انگار ،اولی نگاهی به‌دومی انداخت ،دومی از جا پرید و از پشت سر آقا را به زمین انداخت، عمامه از سرش افتاد ،اولی عمامه را باز کرد و به گردن آقا پیچید، دومی دهانش را با بالش محکم بست ،و آقا تلاش می‌کرد و دست و پا می‌زد ،لحظه‌ای بعد ،به آرامی ،آرام گرفت ،نفس در سینه‌اش ماند . اولی بعجله پرسید :

– " تمام کرد . ؟! " دومی با وحشت جواب داد :
– " مثل اینکه . . . آره . ! "

و دستش را رها نمود ،جانماز آقا بهم خورده بود ،خون در صورتش مانده بود ،اما چهره‌اش تبسم داشت ،چشمانش باز و برجسته می‌نمود ،نگاهش به‌افق مانده بود ، خورشید غروب کرده بود ! ،– اما صبح روز بعد به بزرگی همه دنیا طلوع کرد –

قاسم

۱ – "خواف" محل تبعید انقلابی بزرگ آقا سیدحسن مدرس بود .

پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی اسلامی کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، دانشگاهیان، معلمین، سربازان، درجه‌داران، افسران، اصناف و شوراهای محلی.

اسنادی در مورد موضع روسیهٔ شوروی نسبت به مسئلهٔ فلسطین در سالهای ۱۹۴۷ – ۱۹۴۹

"اجرای قیمومت غیرممکن بوده است" . کمیسیون دائمی نمایندگیهای جامعه ملل به نتیجه‌ای مشابه میرسد و تذکر میدهد که اجرای سیستم "قیمومت" در مورد فلسطین غیرممکن است .

کمیسیونی که ما قصد ایجاد آنرا داریم باید به رویدادهای تاریخی این مسئله توجه کند . میتوان در اینجا موارد متعددی که مربوط به سیستم قیمومت در مورد فلسطین است و نمودار ورشکستگی این سیستم اداری میباشد نقل کرد . نیازی به شمارش آنها به تفصیل نمیباشد . برای مثال کافی است شورش اعراب در سال ۱۹۳۶ که عملا" چند سال ادامه داشت بخاطر آورد . وضعیت کنونی فلسطین هم شاهد این موضوع است . دنیا از حوادث خونینی که در فلسطین میگذرد و در حال افزایش است آگاه میباشد .

بنابراین باید بیش از پیش توجه جهانیان و بالاخص سازمان ملل متحد باین مسئله جلب شود . مسئله فلسطین هنگامی مورد بررسی مجمع عمومی قرار میگیرد که ورشکستگی سیستم اداری و وضعیت بسیار انتقادی آن که نتایج خونینی دربرداشته است مبرهن گردیده . امری که دولت انگلستان را وادار به طرح مسئله در مجمع عمومی کرده است بسیار معنی‌دار میباشد . موضوع فقط یک تفسیر دارد و آن اینکه دولت انگلستان میداند که ادامهٔ وضعیت کنونی در فلسطین غیرممکن است . لذا کمیسیون مربوطه باید بنحو عمیق وضعیت کنونی این کشور را هم مورد مطالعه قرار دهد . نمایندگان دولت انگلستان بدفعات حتی قبل از اینکه مسئله در دستور مجمع عمومی قرار بگیرد اظهار کرده‌اند که سیستم نمایندگی در ادارهٔ فلسطین موفق نبوده است و سازمان ملل متحد باید برای این مسئله راه‌حلی بیابد .

در مجلس انگلستان

مثلا" آقای بوین BEVIE در ۱۸ فوریه ۱۹۴۷ در مجلس عوام اظهار کرده است .

"ما قصد داریم نحوهٔ عمل انگلستان را که در مورد انجام قیمومیتش نسبت به فلسطین در مدت ۲۵ سال گذشته به سازمان ملل متحد ارائه دهیم . ما توضیح خواهیم داد که سیستم قیمومت در عمل غیرقابل اجرا بوده است و تعهداتی که در برابر هریک از دو خلق فلسطین بر عهده گرفته شده مانعة‌الجمع بوده‌اند."

بیان صریح و روشن وزیر امور خارجه انگلستان اوضاع واقعی فلسطین را ، که نتیجه اداره آن بنحو قیمومت است ، معلوم میسازد . همانطوریکه آقای بوین تأیید کرده است نه برای اعراب و نه برای یهودیان شکل اداری فعلی صلاحیت حکومت در این سرزمین را ندارد . اعراب و یهودیان هردو باین شکل حکومت معترضند . چنین سیستم حکومتی که فقط میتواند مشکلات و گرفتاریهای جدیدی بوجود آورد هرگز مورد تأیید مردم فلسطین نبوده است . در ۲۶ فوریه ۱۹۴۷ وزیر خارجه انگلستان در برابر مجلس عوام این کشور اظهار میدارد .

امور اداری فلسطین به مشکل بزرگی برخورد کرده است و از حمایت خلق این کشور برخوردار نیست و طرفین (اعراب و یهودیان) از آن انتقاد میکنند .

کمیسیونی که ما آنرا تشکیل خواهیم داد نمیتواند نتایجی را که دولت انگلستان در مورد رژیم قیمومت بدست آورده است نادیده بگیرد . تنها دولت انگلستان نیست که چنین نتایجی را بدست آورده است . کمیسیون انگلیسی – آمریکائی هم که در آنجا نمونه‌برداری کرده است (مثلا" در مورد مطالعه انجام شده در سال ۱۹۴۶) بهمین نتایج رسیده است . در مورد اوضاع فعلی فلسطین این کمیسیون گزارش میدهد .

"سرزمین فلسطین بصورت قلعه‌ای نظامی درآمده است . ما همینکه وارد مرز شدیم این موضوع را دریافتیم و روزبروز بر ما روشنتر گردید که جو سختی حکمفرماست . تعداد زیادی از ساختمانها بوسیله پرچین‌های خاردار یا بوسائل دیگر حفاظت میشدند . اقدامات حفاظتی از طرف پلیس برای ما انجام میشد و غالبا" زره‌پوش ما را همراهی میکرد . تمام نقاط کشور پر از پاسگاههای مستحکم پلیس است ."

اینست وضعی که کمیسیون انگلسی – آمریکائی برای فلسطین توصیف میکند . این شرح ، گواه دیگری است در مورد نتایج ادارهٔ فلسطین بوسیله قیمومت . اینمطلب که فلسطین بصورت دژی نظامی درآمده است خیلی بامعناست .

با این شرایط نمیتوان در باره دفاع از منافع اهالی فلسطین و بهبودی شرایط مادی زندگی یا پیشبرد سطح فرهنگی مردم این سرزمین صحبت کرد . مطالب زیر که بسیار جالب توجه هستند بوسیله کمیسیون انگلسی – آمریکائی نقل شده است :

افرادی که بوسیله پلیس یا ادارهٔ امور زندانها در سال ۱۹۴۵ بکار گماشته شده‌اند به ۱۵۰۰۰ نفر میرسد . این عدد بیانگر خوبی است و میفهماند که درآمد عمده اهالی در چه طریقی مصرف میشود ، در شرایطی غیر از این ، این مبلغ میتوانست در راه توسعهٔ اقتصادی و فرهنگی مردم این کشور صرف گردد . در سالهای ۴۵–۱۹۴۴ مبلغ ۱۸٫۴۰۰٫۰۰۰ دلار آمریکا برای حفظ نظم و امنیت اختصاص داده شد . در حالیکه در همین مدت بودجه مربوط به بهداشت عمومی ۲٫۲۰۰٫۰۰۰ دلار و بودجه مؤسسات عمومی ۲۸٫۰۰۰٫۰۰۰ دلار بوده است . با نقل این ارقام کمیسیون انگلسی – آمریکائی به نتیجهٔ زیر میرسد .

"همچنین از لحاظ امور مربوط به بودجه ، فسطین بصورت یک دولت پلیسی و نیمه نظامی درآمده است ."

مطالبی که از گزارش کمیسیون انگلسی – آمریکائی ذکر شد بسیار قابل توجه است . این مطالب و وضع موجود ما را برمی‌انگیزد که در بارهٔ اصلاح این وضعیت و پیدا کردن راه‌حلی که مطابق منافع خلقهای فلسطینی و منافع عمومی سازمان ملل باشد بطور جدی فکر کنیم . با مطالعهٔ در محل از چگونگی اوضاع واقعی فلسطین کمیسیون اختصاصی باید برای رسیدن به چنین راه‌حلی به سازمان ملل متحد کمک کند . آیا درخواست لغو سیستم نمایندگی از طرف یهودیان و اعراب با ملاحظه این مسائل تعجب‌آور خواهد بود ؟ در اینمورد هر دو طرف توافق دارند و اختلافی فیمابین آنها موجود نیست و سازمان ملل هم هنگامیکه مسئله آینده فلسطین را بررسی میکند نمیتواند این امر را از نظر دور دارد .

وقتی که پیشنهادات کمیسیون مورد بررسی است یک جنبه مهم مسئله را نمیتوان از نظر دور داشت . آرزوهای عده کثیری از ملت یهود ، همه آنرا میدانند ، وابسته به مسئلهٔ فلسطین و سازمان آینده این کشور است . لزوم چندانی ندارد که در اینمورد دلیلی ابراز شود . بنابراین توافق و توجه به این جنبهٔ از مسئله در مجمع عمومی و کمیسیون اولیه تعجب‌آور نمیباشد ، این امر قابل درک و قویا" مدلل است .

ملت یهود در جنگ دوم بدبختیها و محنتهای فوق‌العاده تحمل کرده است . این رنجها و دردها ، بدون اغراق ، غیرقابل شرح و وصف میباشند . بیان آن بوسیله ستونهائی از ارقام مبهم و با ذکر تعداد تلفات جانی وارده بر ملت یهود بوسیله اشغالگران فاشیست کاری مشکل است . در سرزمینهائی که قدرت هیتلر حکمفرما بود ، یهودیان تقریبا قتل‌عام شدند . جمع کل یهودیان کشته شده بوسیله جلادان فاشیست تقریبا" ۶ میلیون نفر است . تنها یک میلیون و نیم یهودی ازجنگ اروپای غربی باقی مانده‌اند . این ارقام که نمودار تلفات وارده بوسیلهٔ مهاجمین فاشیست بر ملت یهود است کافی برای درک وضعیت غم‌انگیزی که بعد از جنگ گریبانگیر یهودیان بوده است ، نمیباشد .

یهودیان اروپائی نسبتا" زیادی که باقیمانده جنگ هستند بدون وطن مانده‌اند . بدون مأمن و بدون وسیله معاش . صدها هزار یهودی در کشورهای مختلف اروپائی سرگردانند و بدنبال وسیلهٔ زیستن میگردند و در جستجوی پناهگاهی میباشد . قسمت مهمی از آنها در اردوگاهها متحمل محرومیتهای زیادی هستند . و این مطالب ، بویژه بوسیله نمایندهٔ "آژانس یهود" که ما هم در اولین کمیسیون آنرا شنیدیم ، انتشار یافته‌اند .

بخود اجازه این سؤال میدهم : آیا سازمان ملل متحد میتواند خود را در برابر وضعیت رقت‌بار و سرنوشت صدها هزار یهودی باقیماندهٔ جنگ و آوارهٔ از وطن و دیار ، بی‌علاقه نشان دهد؟ سازمان ملل متحد نمیتواند و نباید در برابر این اوضاع بدون تفاوت بماند زیرا با اصول مندرج در منشور ما با اصولی که از حقوق انسانها بدون درنظر گرفتن نژاد ، مذهب و جنس دفاع میکند ، مانعة‌الجمع است . زمان بزرگی است برای کمک باین افراد عملا" و نه لسانا" . باید نسبت به احتیاجات فوری ملتی که متحمل محنتهای فراوان جنگ براه‌انداخته آلمان هیتلری شده است اندیشناک باشیم . این وظیفه سازمان ملل است .

با تأیید اینمطلب که باید نسبت به احتیاجات یهودیان که بدون مأمن و فاقد وسایل معیشت هستند اندیشناک بود ، همایندگی شوروی توجه مجمع عمومی را نسبت باین امر جلب می‌نماید که :

تجربه گذشته و بالاخص جنگ دوم جهانی ثابت کرده است که هیچ کشور اروپای غربی به مساعدت لازم به ملت یهود برای دفاع از حقوقش و حمایت از وجودش که بوسیله هیتلریها بخطر افتاده بود موافقت نکرده است . مسلما" امری دردناک است ولی باید آنرا شناخت همانطوریکه باید تمام امور را شناخت .

کشورهای اروپای غربی اقدامی جهت دفاع از حقوق اساسی ملت یهود و حفاظت این ملت در برابر تجاوزات جلادان فاشیست بعمل نیاورده‌اند . این امر تمایل یهودیان را در ایجاد حکومتی برای خودشان روشن میکند . عدم توجه باین مسئله و نفی این حق برای ملت یهود در ایجاد چنین خواسته‌ای غیرعادلانه است . با درنظر گرفتن حوادثی که بر ملت یهود در جنگ دوم جهانی گذشته است نفی چنین حقی از این ملت مورد تأیید نمیتواند قرار گیرد . بنابراین مطالعهٔ این جنبهٔ از مسئله و همچنین تهیهٔ پیشنهادی در اینمورد باید یکی از کارهای مهم کمیسیون اختصاصی باشد .

اکنون به یک مسئلهٔ اساسی میرسیم و آن عبارتست از قدرت و وظائف ، کمیسیونی است که قصد ایجاد آنرا داریم . من میخواهم در باره اینموضوع و آینده فلسطین صحبت کنم . همانطوریکه میدانیم در بارهٔ ساختمان آینده فلسطین و راه‌حل مسئلهٔ یهود و رابطه‌اش با مسئله فلسطین طرحهای مختلف و فراوانی موجود است . در این باره از پیشنهادهائی که بوسیله کمیسیون انگلسی – آمریکائی عنوان شده استفاده میکنیم . از میان طرحهای مختلف و معروف مربوط به ساختمان آینده فلسیطنی ما طرحهای زیر را برمیشماریم .

۱ – ایجاد یک دولت واحد یهود – عرب با تساوی حقوق بین اعراب و یهودیان .

۲ – تقسیم فلسطین به دو دولت مستقل : یک دولت عرب و یک دولت یهود .

۳ – ایجاد یک دولت عرب در فلسطین بدون درنظر گرفتن واقعی حقوق مشروع یهودیان .

۴ – ایجاد یک دولت یهود در فلسطین بدون درنظر گرفتن واقعی حقوق مشروع اعراب .

هریک از این چهار طرح اساسی باعتبار چگونگی رابطهٔ بین اعراب و یهودیان و برخی مسائل دیگر وجوه مختلفی خواهد داشت . من فعلا" به تجزیه و تحلیل این طرحها نمی‌پردازم .

زمانیکه پیشنهاد مشخصی مورد بررسی است و بویژه در هنگام اخذ تصمیم در خصوص آیندهٔ فلسطین ، اتحاد شوروی نظریاتش را بنحو مشروح در مورد طرحهای مختلف ابراز خواهد کرد . فعلا" چند تذکر نسبت بطرحهای پیشنهاد شده میدهم ، تنها توجه به تعریف و مشخص کردن کارهائی است که کمیسیون برعهده خواهد داشت .

در تجزیه و تحلیل طرحهای مختلف مربوط به آیندهٔ فلسطین قبل از هر چیز حالت ویژه این مسئله را باید مورد دقت قرار داد . باید باین امر غیرقابل تردید که اهالی فلسطین از دو ملت (اعراب و یهودیان) تشکیل شده‌اند توجه داشت . هریک از این دو ملت دارای ریشهٔ تاریخی در فلسطین است . فلسطین وطنی برای هر دو ملت میباشد و هریک از این دو ملت مقامی در اقتصاد و در زندگی فرهنگی این سرزمین دارد . یک راه‌حل یکجانبه خواه در جهت ایجاد یک دولت مستقل عرب بدون درنظر گرفتن حقوق قانونی ملت یهود خواه در جهت ایجاد یک دولت مستقل یهود ، بدون توجه به حقوق قانونی اهالی – عرب نمیتواند مورد تأیید تاریخ و وضعیت کنونی فلسطین باشد . هیچیک از این دو راه‌حل افراطی مسئله پیچیده فلسطین را بطور عادلانه حل نخواهد کرد ، بخصوص که این دو راه‌حل تنظیم روابط بین اعراب و یهودیان را تضمین نمیکنند ، این تنظیم امری اساسی است . باید بحد کافی منافع دو ملت مطمح نظر قرار گیرند تا بتوان راه‌حلی عادلانه پیدا کرد . نظر بمجموعه مراتب ، نمایندگی شوروی چنین نتیجه‌گیری میکند که منافع یهودیان و اعراب فلسطین بنحو شایسته مورد حمایت قرار نخواهد گرفت مگر با تشکیل یک حکومت یهود – عرب دمکراتیک ، مستقل ، دوگانه ولی مجانس . این دولت باید بر روی حقوق مساوی یهودیان و اعراب بنا شود و این راه‌حلی است که میتواند بهمکاری بین دو ملت و منافع مشترکشان و بسود هر دوطرف منتهی گردد . میدانیم که چنین راه‌حلی در خود فلسطین هم دارای طرفدارانی است .

تنها نابرابری باعتبار مذهب و نژاد نیست که تاریخ معاصر آنرا می‌شناسد ، این عدم تساوی هنوز هم بدبختانه در بعضی از کشورها وجود دارد . تاریخ معاصر همچنین مثالهائی از تعاون مسالمت‌آمیز ملتهای مختلف در چهارچوب یک دولت بما میدهد ، تعاونی که بهریک از ملتها امکان بیحد فعالیت و ابراز استعدادهایشان ، بمنظور به‌زیستی تمام آنها در چهارچوب یک دولت ، میدهد . آیا مبرهن نیست که ضمن جستجوی راه‌حلی برای مسئله فلسطین از تجربه‌های بدست‌آمده در مورد خلقهائی که برادروار در چهارچوب یک دولت همکاری صمیمانه دارند ، سرمشق گرفته شود ؟ بنابراین ایجاد یک حکومت واحد یهود– عرب با حقوق مساوی برای یهودیان و اعراب میتواند بعنوان یک راه‌حل ممکن برای مسئله پیچیدهٔ فلسطین مورد توجه قرار گیرد . این راه‌حل از جمله راه‌حلهای شایستهٔ دقت است و میتواند پایه و اساسی محکم

بقیه در صفحه ۷

درود برمجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی

امت چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۵۸ سال اول شماره ۳

مصاحبه استاد...

بقیه از صفحه ۳

در تاریخ دارد که یک نفر از پیغمبر اطاعت نکرد. پیغمبر به چادرش آمد. ام‌السلمه آنجا بود (ام‌السلمه در بین زنان پیغمبر جایگزین خدیجه بود و در فهم و شعور بین زنان پیغمبر) عرض کرد یا رسول خدا اینها امیدوار بودند به خانه‌هایشان بروند اقوامشان را به‌بینند، وطنشان را به‌بینند. خانهٔ خدا را زیارت کنند همه اینها محرومیت شده بر ایشان دندانهایشان سر رگ است شما مدتی به اینها مهلت بدهید خودتان هم استراحت بفرمائید. بعد خودتان حرکت کنید به طرف قربانی خودتان. آنها حتما" اطاعت خواهند کرد. پیغمبر مدتی در چادرش استراحت کرد و بعد رفت طرف گوسفند و قربانی خودش. مردم یکی بعد از دیگری رفتند و آنوقت اطاعت کردند. موارد بسیاری داریم که در برابر پیغمبر ایستادند. اما آقای خمینی به محض اینکه یک بیانیه داد مردم نگفتند این بیانیه برای ما خطر دارد، این بیانیه جان دادن دارد. خون ریختن دارد. نگفتند و اطاعت کردند. بنابراین این دوتا که یکی وحدت باشد و دیگری اطاعت از پیشوا این مردم داشتند و هنوز هم تاحدی دارند. این دوتای دیگر که یکی امامت باشد که رأس امانات‌تکلیف است که هرکسی به وظیفه خودش‌که دراین اجتماع دارد عمل کند. اینها برای همه تشریح شود یکی هم صلاح و اصلاح، هر کس بکوشد در خودسازی و اصلاح دیگران، اگر این‌چهارتا آنطوریکه باید در بین ملت ما ترویج و تبلیغ بشود و مردم ما همانطوریکه در وحدتشان اطاعت یکپارچه بودند در امانتشان، صلاحشان هم تبلیغ صحیح بشود و امانتداری و صلاح را شعارخودشان‌قراربدهند، امیدواری هست که این‌نهضت به پیروزیها و ثمرات کامل آن‌انشاءالله‌برسند.

تشکیل شوراها

س: یک طرحی در همین رابطه برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، برای طی این راه، برای برقراری یک جامعهٔ توحیدی ازطرف پاره‌ای از متفکرین اسلامی پیشنهاد شده از جمله برای ایجاد شوراها، همانطوریکه شما فرمودید مردم در سقوط شاه شرکت داشتند. برای اینکه مردم باز شرکت داشته باشند شوراهائی در تمام جهات بوجود بیاید. در صدر مشروطیت نیز برای دفاع از مشروطیت انجمنهائی داشتیم که در زمان محمدعلی میرزا از مشروطیت دفاع میکردند باتوجه باینکه عنوان شد الآن خطراتی موجود است، آن اجانب خارجی حاضر نیستندبه این مفتی‌ها دست بردارند و همین‌طوری‌عمال‌آنها درداخل، آن زندگی‌های افسانه‌ای که داشتند آن‌ها باز حاضر نیستند دست بردارند و به توطئه میپردازند، از طرف پاره‌ای از متفکرین اسلامی این طرح شوراها عنوان شده که مثلا" در محلات شوراهای محلی باشد که امور مردم، مسائل محلی را این منتخبین طبیعی مردم که همانطور که در سورهٔ بقره در مورد امامت‌ابراهیم مطرح میشود که ابراهیم در ابتلاء افتاده و کلمات خدا را بپایان رسانده تا به مقام امامت رسید، آنکسانی مسئول شوند و انتخاب بشوند که نمایندگان واقعی مردم بوده باشند و در جریانات شرکت کرده باشند از ابتلاءها پیروز بیرون آمده باشند و همین شوراها در تمامی جهات در روستاها مثلا" شوراهای اسلامی روستاها بوجود آید که اینها خودشان در مقدرات خودشان دخالت بکنند و تصمیم‌گیری بکنند، در کارخانه‌ها و بهمین شکل در مدارس، در دانشگاهها و در تمام زمینه‌ها، میخواستیم نظر شما را در این مورد بدانیم.

ج - بسیار این نظر خوبی است. الان که دارند، دانشگاهها شوراهایی دارند بین دانشجویان و اساتید عرض می‌کنم که سایرطبقات و اصناف هم این شوراها را داشته باشند. بطوریکه ما در مشهد دیدیم دور هم جمع میشوند. ولی همینطور که فرمودید اگر صورت رسمیت داشته باشد از طرف امام، و افرادی انتخاب بشوند و شوراها رااداره کنند این بسیار بهتر خواهد بود، مثمرتر خواهد بود. از اینکه همینطور بطور بی‌برنامه یک عده‌ای دور هم جمع می‌شوند و می‌نشینند حرف می‌زنند و کار می‌کنند. و ما داریم درمشهد همین‌رفقای‌خودمان هفته‌ای یکی، دوبار جمع می‌شوند در کارهای خیر قدم برمی‌دارند، در کارهای مربوطه در همین زمانی که آقای خمینی اعلامیه‌ها را میداد بیشتر بوسیلهٔ‌رفقای ما تکثیر می‌شد و عمل می‌شد و اینها بودند که در بازار فعالیت می‌کردند تا بازار را ببندند. فعالیت می‌کردند در کارهای دیگر و در راهپیمائی و سایر چیزها که مردم را تحریک کنند اگر اینها هم به صورت انتخابات صحیح عمل بشود البته به مراتب بهتر خواهد بود تا همینطور بی‌برنامه یک جمعیتی دور هم جمع بشوند. البته این پیشنهاد بسیار خوبی است. این را خوبست به آقا پیشنهاد کنید.

س - باتوجه به آن بحثی که استاد شهید ما دکتر شریعتی در چندین جا، هم در مجموعهٔ‌نامه‌های مخاطب‌های آشنا و همچنین در "خودسازی انقلابی" عنوان‌فرموده‌اند کمبودهای مکاتب مختلف را طرح کرده‌اند،" که در کشورهای اروپای شرقی که عرفان نیست، آزادی نیست و "غرب سرمایه‌داری، سوسیالیزم نیست یعنی مردم به نیازهای‌شان و به محصول کار خودشان نمی‌رسند. دکتر شریعتی در آنجا عنوان فرموده‌اند که اسلام این سه بعد را دارد:

سوسیالیزم، عرفان، آزادی، که نمونه والگوی این‌راهم‌حضرت علی معرفی نموده‌اند که این سه وجه را داشت. تنها مکتبی که این سه وجه را دارد اسلام است. وباتوجه به‌اینکه‌امام هم بارها فرموده‌اند و خودتان هم شاهد بوده‌اید و تأیید فرمو دید که تودهٔ مردم بودند که شرکت کردند و تودهٔ مردم هم مستضعف هستند فکر نمی‌کنید همانطور که بازهم امام تکرار می‌کنند، بیشتر باید به این مستضعفین برسیم.

ج - بلی باید بیشتر به مستضعفین برسیم و آقا خودشان توجه دارند به این قضیه مسکن اینان را هم اول مطرح می‌کنند واز همه چیز لازم‌تر این است. مصاحبه‌های تلویزیونی هم با این بیچاره‌ها و زاغه‌نشین‌ها کردند که دیدیم آنها در چه سختی در چه فشار زندگی می‌کنند. انشاءالله امیدواریم که آقا را خدا عمر طولانی بدهد وموفقش بدارد که بتواند این مقاصدش را پیاده و عمل کند. انشاءالله.

س - باتوجه به نقش عظیمی که حسینیهٔ ارشاد و استاد شهید ما دکتر شریعتی در این انقلاب داشتند و واقعا" در مسلح‌ومجهزکردن نسل ما به ایدئولوژی اسلامی نقش عظیمی داشتند حالا که حسینیهٔ ارشاد دوباره فعالیتش را شروع می‌کند شما چه پیشنهاداتی دارید.

ج - این جلساتی که هست به پیشنهاد تنها بنده‌نیست، آقایان خودشان دور هم جمع می‌شوند برای اینکه راه دکتر ادامه پیدا کند. آنشب هم که من آنجا بودم از مردم خواستم شما که علاقه دارید و لطف دارید به دکتر و واقعا" یک ملت حق‌شناس هستید نشان دادید که اگر کسی خدمت به جامعهٔ ما کند، جامعه ما حق او را می‌شناسد و قدردانی می‌کند از او. ولی باید سعی بفرمائید راهی را که دکتر رفت ادامه دهید و حسینیهٔ ارشاد در این مسیر باشد. خودشان مقدماتی دارند و سعی می‌کنند که حتی افرادی را که دعوت می‌کنند برای سخنرانی، بیشتر کسانی باشند که با فکر دکتر نزدیک باشند و یا تبعیت از او بکنند و راه او را دنبال کنند. بنابراین چنین فکری هست و از قبل مطرح بوده.

امت: از لطفتان متشکریم.

بقیه کشتار کارگران...

بقیه از صفحه ۲

۱۰ کیلو کم شده است و بهنگام ورود او را باطاقی میبرند و بازجو با سگی که زنجیرش را در دست داشته وارد میشود و برای ترسانیدن و شکنجه روحی او بارها سگ درنده را بسوی این کارگر حق‌طلب روانه میسازد و هنگامیکه آقای میرعلی میگوید. "من کاری نکرده‌ام که‌بجان من سگ انداخته‌اید" شخص امنیتی میگوید: "تو اخلال کرده‌ای"!

در چنین جوی کارگران دلیر جهان چیت اعتصاب خود را آغاز میکنند.

اعتصابیون روز اول را در سالن اجتماع مینمایند. در روز دوم اعتصاب ژاندارمها به کارخانه آمده و کارگران را از سالن اخراج و درها را قفل میکنند و بکارگران میگویند. "شما اخلالگرید و میخواهید ماشینها را بآتش بکشید."

محمدصادق فاتح یزدی سرمایه‌دار زالوصفت نیز که در حیاط کارخانه بقدم زدن مشغول بوده در پاسخ کارگران که خواستار چندریال حقوق بغارت رفته‌شان بودند، میگوید: کارگر باید گرسنه باشد تا کار کند، یکریال بشما نمیدهم ولی حاضرم صدها هزار تومان به مقامات بالا بدهم".

در روز سوم اعتصاب، سروان منصوری به حیاط کارخانه میآید و مهندس خراسانی مدیر کارخانه و شریک جنایات فاتح مترف برای کارگران سخنرانی میکند و کارگران را با دادن وعده رسیدگی بامورشان به رفتن به کارگاهها و شکستن اعتصاب دعوت مینماید. کارگران‌هوشیار که بارها این وعده و وعیدها را شنیده و پوچ بودن آنها را تجربه کرده بودند، از قبول درخواست مهندس خراسانی سرباز میزنند.

در این هنگام سروان منصوری جلاد بچه‌ای از میان کارگران‌بلند کرده و خطاب بآنان میگوید: "کی میگه ۷، ۸ تومن برای این بچه کمه؟"

در این لحظه پیرمردی از میان کارگران بپا میخیزد و میگوید: "چرا اونو بلند میکنی، منو بلند کن که ۵ تا بچه دارم و خودم هم عائله هستم. ۷، ۸ تومن بکجای من میرسه؟"

سروان منصوری خطاب به پیرمرد میگوید: "پیرمرد بشین، خفه شو، داری اخلالگری میکنی؟"

در این هنگام راشدی رئیس وزارت کار کرج بسخنرانی میپردازد و همچون همیشه به کارگران وعده و وعید میدهد، کارگران رنجکشیده از او درخواست تعهد کتبی میکنند که راشدی ابا مینماید.

در حدود ساعت ۱/۵ تا ۲ کارگران شیفت بعدازظهر نیز به کارگران شیفت صبح می‌پیوندند و حتی عده‌ای نیز از شیفت شب کهاز قضایا مطلع شده بودند به کارخانه میآیند.

پس از پیوستن کارگران دو شیفت، راشدی بعنوان گرسنگی بطرف اتومبیلش میرود تا از کارخانه خارج شود، کارگران میگویند: "بایست و وضع ما را مشخص کن" او بدون توجه داخل اتومبیلش مینشیند و چون کارگران را در مقابل خود میابد بآنها رو کرده و میگوید: "از روی شما رد میشوم" و حرکت میکند، کارگران که سبعیت او را می‌بینند و خطر را احساس میکنند، کنار میروند و راشدی از کارخانه خارج میشود.

در این هنگام کارگران تصمیم میگیرند جهت درخواست چند ریال از حقوق غارت رفته خود، دسته جمعی بطرف تهران برای رفتن به وزارت کار حرکت کنند. برادران کارگر راهپیمائی خود را از کنار خیابانها و جاده‌ها شروع میکنند تا مزاحمتی برای عبور و مرور فراهم نیاورند.

در مقابل فرمانداری کرج از ۳ بنز کرایه که با چراغهای روشن‌در جهت‌مخالف راهپیمایان حرکت میکردند عده‌ای ژاندارم پیاده میشوند و بکارگران حمله میکنند، پس از مقداری زد و خورد کارگران پراکنده میشوند و در مسافتی دورتر دگربار جمع شده به راهپیمائی خود ادامه میدهند و پس از گذشتن از کرمه دره بعلت خستگی و تشنگی دقایقی چند استراحت میکنند و دوباره بسوی تهران روانه میشوند.

در مقابل شرکت نفت پارس در راه تهران - کرج، سروان‌منصوری با یک نظامی مافوق و چند مأمور که محافظ آنها بودند، کارگران را دعوت به بازگشت میکنند. برادران کارگر نمی‌پذیرند در این لحظه سروان منصوری خطاب به برادران کارگر میگوید: "اگر خایه دارید، بیائید جلوتر. کارگران مصممانه گام پیش میگذارند و با کینهٔ به‌دشمن در حالیکه برای جلوگیری از شلیک دژخیمان عکسهای شاه را که در مسیر بدست آورده بودند، بلند کرده پیش میروند.

در مقابل کاروانسراسنگی با سه ردیف زنجیری سرباز و ژاندارم که حتی توپ نیز همراه خود آورده بودند، مواجه میشوند و چون‌قصد ادامه‌راهپیمائی بسوی تهران را میکنند، ابتداء با چوب مورد حمله قرار میگیرند و سپس شلیک هوائی آغاز میشود و در نهایت ژاندارمها بفرماندهی سروان منصوری بسوی کارگران شلیک میکنند.

در این حادثه ۳ کارگر از جهان چیت باسامی: علی کارگر، حسین نیکوکار و وجیه‌الله چشم‌فیروز و ۱۱ تن دیگر از جمله یک رانندهٔ شرکت واحد و اعضای یک خانواده که در حال گذشتن از جاده بودند شهید و تعداد زیادی از جمله افراد زیر از کارخانه جهان‌چیت مجروح میگردند.

۱- اکبر دانش کهن
۲- اجاقعلی پور اکبری کسمائی
۳- علیمحمد رضا حسنی
۴- علی‌محمد تاوریان
۵- محمد اسلامی
۶- حبیب عطاردی
۷- حسین دره شیری
۸- علی‌اکبر قادری
۹- حسین رشیدی
۱۰- فیض‌الله خلعت فلاح
۱۱- صدرالله ابراهیمی
۱۲- حسین عسگری
۱۳- محمد گودرزی
۱۴- محمدرضا فیض‌آبادی
۱۵- محمد سپهری

خون برادارن کارگر شهید جهان چیت بر اسفالت جادهٔ تهران - کرج لکه ننگی بر پیشانی رژیم شاه و ستارهٔ درخشانی بر آسمان مبارزات توده‌های مستضعف خلق ما گشت و یکبار دیگر نشان داد که برای نابودی دشمن ستمگر میبایستی متشکل و مسلح به ایدئولوژی انقلابی مستضعفین و قهر انقلابی گشت.

دیگر کارگران جهان‌چیت دشمنان خود را که در هیئت شاه و سرمایه‌داران و عمال و اربابان خارجی آنها بودند بخوبی میشناختند.

فریاد ابوذر زمان، معلم شهادت نیز آنچنان که آن معلم بزرگ پیش‌بینی کرده بود بسرعت خانه‌ها، کارخانه‌ها، مدارس، روستاها و... را فرا میگرفت تا از هرکدام حسینیه‌ای بسازد.

فریاد گرمش و نوشته‌های برخاسته از دردش توسط تنی چند از برادران کارگر در میان کارگران جهان‌چیت دست بدست میگشت و کارگران دوستان خود را در هیئت انبیاء، آنان که علی در وصفشان گفت‌که‌کارگر بودند و از دسترنج خود میزیستند و یا به نجاری چون نوح و یا به زنبیل‌بافی چون داود و یا به ماهیگیری و چوپانی چون یونس و محمد میپرداختند و یا چون علی زمین میکاویدند و درخت غرس میکردند و قنات میزدند و... و مکتب نجاتبخش خود را در جهان‌بینی توحید می‌یافتند.

علیرغم دستگیری و [illegible] و اخراج چندتن از برادران ازکارخانه جهان‌چیت فعالیتها روزبروز ابعاد وسیعتری میافت و در پاره‌ای از موارد نیز موفق به عقب نشاندن کارفرما میگشت. با اوجگیری نهضت مردم مسلمان ایران در یکسال گذشته کارگران جهان‌چیت نیز مبارزات خود را با شدت بخشیدند، در تظاهرات و اعتصابات و راهپیمائیها شرکت نمودند و همپای با سایر خواهران و برادران مبارز خود تا سقوط رژیم منفور پهلوی لحظه‌ای دست از مبارزه برنداشتند.

بقیه در صفحه ۸

برادر کارگر شهید وجیه‌الله چشم‌فیروز از کارگران کارخانه جهان‌چیت (شهادت ۸ اردیبهشت ۱۳۵۰)

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

اسناد • • •

بقیه از صفحه ۵

برای یک همکاری مسالمت‌آمیز اعراب و یهودیان فلسطین باشد و همچنین در جهت منافع مشترک و بهزیستی ایندو ملت و خوشی تمام اهالی فلسطین و نیز در جهت صلح و امنیت خاور نزدیک است.

چنانچه این راه‌حل بعلت روابط موجود بین یهودیان و اعراب غیرقابل اجرا باشد (دانستن عقیده کمیسیون اختصاصی در اینمورد بسیار مهم خواهد بود) باید دومین راه‌حل را مورد توجه قرار داد که مانند راه‌حل اول درفلسطین دارای طرفدارانی است وتقسیم این‌کشور را بدو حکومت مستقل، یک دولت یهود و یک دولت عرب موردنظر دارد.

تکرار میکنم این راه‌حل، قابل تأیید نیست مگر اینکه محقق شود که روابط بین یهودیان و اعراب فلسطین باندازه‌ای تیره است که‌زندگی مشترک و مسالمت‌آمیز آنها را غیرممکن ساخته است.

مسلما" کمیسیون باید ایندو راه‌حل را بررسی نماید و این امر ما را در تنظیم وضع آینده فلسطین همراهی میکند. کمیسیون باید طرحهای مربوط به رژیم آینده فلسطین را باتوجه بتمام جوانب امر و بمنظور ارائه پیشنهادات موجه و مدللی به مجمع عمومی آینده، مورد بررسی قرار دهد. و اینموضوع مجمع عمومی را به حل عادلانه این مسئله در جهت منافع اهالی فلسطین و سازمان ملل متحد و نفع مشترک ما که تقویت صلح و امنیت بین‌المللی است، کمک خواهد کرد.

اینها ملاحظاتی هستند که نمایندگی شوروی معتقد است که در این مرحلهٔ ابتدائی بررسی مسئله فلسطین، ملزم باظهار آنهاست."

روزنامهٔ اومانیته HUMANITE چاپ پاریس مورخ ۱۹ مه ۱۹۴۸ تحت عنوان "آقای فلوریمون بونت Florimond Bonte در محل ول‌دیو Vel d'Hiv (اوستودیوم زمستانی) اعلام کرد که حزب کمونیست فرانسه درودهای گرم خود را بمناسبت ایجاد دولت اسرائیل میفرستد" چنین می‌نویسد:

"در میتینگ بزرگی که دیشب در محل ول‌دیو بمناسبت تشکیل حکومت اسرائیل برپا گردید، آقای فلوریمون بونت، عضو کمیته مرکزی و نماینده پاریس رشتهٔ سخن را بنام حزب کمونیست فرانسه در برابر چهارصد هزار نفر بدست گرفت و چنین اظهار داشت:

"گرمترین درودهای صمیمانهٔ حزب کمونیست فرانسه، وابسته و همراه دائمی مبارزان راه آزادی، دمکراسی واستقلال، را بدولت جدید یهود که در میان رنجها و محنتها و به یمن نبرد قهرمانانهٔ بهترین فرزندان اسرائیل تشکیل گردیده است، میفرستم."

اظهارات فلوریمون بونت که چندین بار بوسیله کف زدن پرشور حاضرین قطع شد حمایت حزب کمونیست را که نمایندگانش اولین امضاء کنندهٔ طرح اتحاد یهودیان بمنظور مقاومت و تشریک مساعی برای ایجاد اسرائیل بوده‌اند، متجلی گردانید.

با یادآوری ستمگریهای آلمان هیتلری که قربانیانش یهودیان بوده‌اند و تذکر مبارزاتی که یهودیان علیه فاشیسم کرده‌اند فلوریمون بونت تأیید کرد که یهودیان حق امنیت را بدست آوردند."

آقای گرومیکو میگوید:

۲ – قسمتهائی از اظهارات گرومیکو در سازمان ملل متحد در مورد اقدامات نظامی دول عربی، ۲۱ ماه مه ۱۹۴۸.

"من قصد ایراد یک سخنرانی مفصل ندارم زیرا موضع اتحاد جماهیر شورروی سوسیالیستی در مورد مسئله فلسطین چندین‌بار بوسیله نمایندگانش در مجمع عمومی مشخص شده است.

ما چندین بار اعلام کرده‌ایم که راه‌حل مجمع عمومی مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ یک تصمیم عادلانه است و موافق منافع دو ملت فلسطین (یهودیان و اعراب) میباشد بنابراین باید بمورد اجرا گذارده شود.

در مورد دولت یهود، اکنون وجود دارد، خواه خوش‌آیند باشد خواه نباشد این دولت موجود است، نه‌تنها این دولت وجود دارد بلکه بوسیله تعدادی از کشورها نیز شناخته شده‌است. نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی نمیتواند از ابراز مراتب تعجب خود بلحاظ موضع کشورهای عربی در مورد مسئله فلسطین، امتناع نماید. ما همگی از تصمیم این دول یا لااقل بعضی از آنها باارسال قوا به فلسطین و اتخاذ موضع نظامی بمنظور نابودی جنبش‌آزادی ملی متجلی شده در این کشور، متعجب هستیم. دولت اتحاد جماهیر شورروی سوسیالیستی بوسیله نمایندگان خود در مجمع عمومی و شورای امنیت چندین بار اعلام کرده است: که طرفدار کوششهای گسترده ملتهای خاورمیانه از جمله ملتهای عرب – بمنظور بدست آوردن استقلال کامل و آزاد شدن از نفوذ اجانب میباشد، که طرفدار جنبشهای آزادی ملی ملتها و بویژه ملتهای عرب در اقدام مشروعشان برای احراز استقلال کامل است. این امر از جملهٔ یکی از اصول سیاسی پیروی شده بوسیله اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است که به نفع حاکمیت و استقلال کلیهٔ ملتها اعم از بزرگ و کوچک میباشد.

ما تسلیم این نظریه که کوشش برخی از سیاستمداران عرب و خرابکاری آنها در اجرای راه‌حل مجمع عمومی مبنی بر تشکیل دو دولت مستقل – دولت عرب و دولت یهود – در جهت منافع اساسی ملتهای خاور عربی است، نمیشویم. ما نمیتوانیم منافع اساسی ملتهای خاور عربی را بااظهارات بعضی از سیاستمداران عرب و اقدامات برخی از دول عربی که امروز شاهد آن هستیم، موافق بدانیم."

۳ – اظهارات مالیک MALIK در سازمان ملل متحد، سوم مارس ۱۹۴۹:

"در دسامبر گذشته در جلسات شورای امنیت که در پاریس برگزار شد، نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی این امکان را یافت که بطور مشروح نظریاتش را در مورد قبول اسرائیل بعضویت سازمان ملل متحد اظهار دارد. نمایندگی اتحاد جماهیر شورویٔ سوسیالیستی عقیده داشت که شورای امنیت میباید به تقاضای اسرائیل مبنی بر عضویت در سازمان ملل متحد پاسخ مساعد بدهد. زیرا هرکس میداند که اسرائیل دولتی صلح‌طلب است که صادقانه تصمیمات سازمان ملل و بالاخص دستورات شورای امنیت را اجرا میکند."

۴ – قسمتهائی از اظهارات مالیک در سازمان ملل متحد، ۴ مارس ۱۹۴۹:

"نمایندگی اتحاد جماهیر شورروی سوسیالیستی باالهام از اصول اساسی سیاست خارجی این دولت که عبارت از شناسائی حق آزادی، استقلال، داشتن دولت و پیشرفت در کمال آزادی برطبق ارادهٔ خلق است، از اولین روز مذاکرات دربارهٔ فلسطین از اینموضوع که یهودیان و اعراب فلسطین هر دو حق استقلال و آزادی و حتی حق تجزیه‌طلبی بمنظور تشکیل یک دولت مستقل دارند، دفاع کرده است.

در اینجا در بارهٔ آوارگان عرب هم صحبت شد. ولی آیا دلیلی وجود دارد که دولت اسرائیل مسئول این امر است؟ اگر سؤال شود که چه کسانی مسئولیت اوضاع آوارگان عرب را بعهده دارند، باید نیروهای خارجی که بآن اشاره کرده‌ام، نیروهائی که بمنظور انحصار کردن استخراج ثروتهای نفتی خاورمیانه و نزدیک و بمنظور ایجاد پایگاههای استراتژیکی در این قسمت از جهان، از منافع خود دفاع میکنند مورد توجه قرار داد. و این امری است که نه موافق با صلح و امنیت بین‌المللی است و نه در جهت منافع ملتهای عرب و یهود است. جز هوسهای تهاجمی برخی از رهبران چند کشور مطلبی دیگر وجود ندارد.

چه شرایطی مساعدتر به تنظیم سریع مسئلهٔ آوارگان عرب میباشد؟ آیا برای حل این مسئله که عبارت از ابهام و عدم ثبات و عداوت موجود در فلسطین است، باید بین دولتهای عربی و اسرائیل درگیری نظامی باشد یا اینکه صلح حکومت کند؟ با مطالعهٔ منصفانهٔ این مسئله هر شخص واقع بین و با شرف تشخیص خواهد داد که‌رفتار مسالمت‌آمیز در مورد حل مسئلهٔ آوارگان عرب بسیار مساعدتر است تا عملیات نظامی و بی‌ثباتی فعلی که در فلسطین جریان دارد."

در اینمورد روزنامهٔ اومانیته در شماره ۲۲ مه ۱۹۴۸ بامضای فرستاده مخصوص خود کاترین وارلن catherine varlin چنین می‌نویسد:

"تقریبا" مسلم است که اهالی شهرها و روستاهای عرب منطقهٔ یهودیان بطور دسته‌جمعی خانه‌های خود را ترک کرده‌اند. این مهاجرت دسته‌جمعی نتیجهٔ فشار مخوفی است که بوسیلهٔ برخی از جناحهای عرب بوجود آمده است. این جنگ که بعضی خواسته‌اند بعنوان یک جهاد برای آزادی و رهائی اعراب فلسطین معرفی نمایند، موردقبول اکثریت اعراب فلسطین نیست. اگر آنها مهاجرت کرده‌اند برای اینست که ماهرانه در آنجا یک جو وحشت بوجود آورده‌اند. واین بدین لحاظ است که سران ممالک عربی انجام جنگی را که تعلقی به ملتشان ندارد قبول کرده‌اند."

ص ۶۴ – ۷۳

ترجمه از: مجله "پارتیزان"

مارس – آوریل ۱۹۷۰ شماره ۵۲

بقیه از صفحه ۱

برخورد مقطعی با ارتش

انقلاب اسلامی ما آنقدرطول نکشید تاهسته‌های مقاومت مسلحانه وسازمانهای مسلح پیشتاز بیک ارتش انقلابی مردمی تکامل یابند. دربرابر چشمان حیرت‌زده ناظران خارجی فرار دستجمعی و سپس شورشهای پراکنده سربازان که به فرمان امام و مسئولیت مردمی و اسلامی آنان آغاز شد، بسرعت در همه جا گسترش یافت و به طغیان گسترده علیه فرماندهی ارتش مزدور تبدیل گردید و سرانجام سریعتر از آنچه‌انتظار میرفت بازمانده ارتش را وادار به عقب‌نشینی و تسلیم در برابر انقلاب نمود.

مجاهدان مسلح که از میان توده رزمنده برخاستند آنقدر فرصت نیافتند تا بیک نیروی مسلح مستحکم و پیشتاز و مسلح به دانش سیاسی و مکتبی تبدیل شوند. با اینحال قدرت ایمان و شور انقلابی موجب شد جوانان از جان گذشته و مسلح انقلاب با هشیاری و آمادگی بی‌نظیری در حساسترین لحظات تاریخی نه‌فقط آخرین مقاومتهای پراکنده دشمن را درهم شکستند بلکه درسراسر کشور بخوبی از انقلاب پاسداری کردند و فرصت ابراز وجود به ضد انقلاب ندادند و هنوز هم همان مجاهدان پرشور وباایمان انقلاب‌اندکه از دست‌آوردهای جنبش حراست می‌کنند و با هشیاری و تلاش شبانه‌روزی عناصر ضد انقلابی را بدام می‌اندازند و بدست دادگاههای عدل انقلاب اسلامی میسپارند. اما این نیرو در آن درجه از رشد کمی و کیفی که ضرورت شرایط انقلابی حاضر ایجاب می‌کند، نمی‌باشد، تا ما را از وجود ارتش در خدمت خلق بکلی بی‌نیاز کند.

گذشته از این سنگینی وزنه عناصر مردمی در میان ارتش سبب شد، دراولین ساعات مراحل نهایی انقلاب به مردم بپیوندند و دعوت امام را لبیک گویند و هوشیاری انقلابی آنان و اختلاف عظیم بین سران و فرماندهان‌خائن و مزدور ارتش و تودهٔ سربازان و درجه‌داران و افسران جزء موجب شد بخش عمدهٔ افراد ارتش خود را از سیاست ضد مردمی سران خائن رژیم و فرماندهان جلاد کنار بکشند.

پیوند عقیدتی (ایدئولوژی اسلامی) بین انقلابیون و افراد رده پائین ارتش و عمده افسران جوان عامل مؤثر دیگری در تغییر موضع ارتش بسود مردم بود. تحت تأثیر سیاست مدبرانه امام و برخورد برادرانه انقلابیون با نیروهای اصیل نظامی شعارها و آرمانهای‌جنبش بسرعت بدرون پادگانها و سربازخانه‌ها گسترش یافت و مورد استقبال قرار گرفت. مجاهدان مسلح درکنار برادران نظامی خود از انقلاب پاسداری کردند و سربازان و افسران به صفوف مردم پیوستند.

تصفیه وسیع سران و فرماندهان و امرای فاسد و دست نشانده استبداد و استعمار اگر چه گهگاه با نارسائیهایی همراه بوده است در مجموع خصلت ضدمردمی ارتش را بشدت تضعیف کرده است. مسلما" ادامه این تصفیه‌ها همراه با آموزش وسیع سیاسی – مکتبی در کلیه واحدها و دخالت دادن افراد نظامی در امورسیاسی وتعیین سرنوشت چنانکه هم‌اکنون آغاز شده است، سیر تحولی فوق را تسریع خواهد کرد.

از این روست که نمیتوان به ارتش ایران در شرایط کنونی همانند یک ارتش ضدخلقی برخورد کرد و خواهان انهدام فوری آن شد. اگر اقدامات اساسی مذکور "تصفیه و تغییر مناسبات اداری حاکم و آموزش سیاسی – مکتبی همراه با شرکت دادن در امور سیاسی و از بین بردن فاصله و جدائی بین مردم و سربازان و افسران هم‌چنان با سرعت و عمق کافی ادامه یابد – میتوان امیدوار بود که ارتش درکنارمجاهدان پاسدار انقلاب صمیمانه از دست‌آوردهای انقلاب حراست‌کرده دربرابر ضدانقلاب مردانه ایستادگی کنند.

ضد انقلاب با توجه به ریشه‌های عمیق و گسترده‌ای که استبداد واستعمار در خاک وطن ما دارد و باتوجه به وجود تفاوتهای قومی – مذهبی و دیگر مناقصات ایدئولوژیک و باتوجه به‌ساخت‌عشایری‌بخشی از جامعه و موقعیت خاص جغرافیای سیاسی‌امیدواری‌زیادی‌برای تحریک و ایجاد آشوب و بلوا و جنگ داخلی از راه دامن زدن به حساسیت‌ها دارد. ما هم‌اکنون شاهد اینگونه تحریکات در نقاط مختلف و حساس کشور هستیم. بالا بودن نسبی آگاهی انقلابی مردم – بطور کلی مانع از موفقیت ضد انقلاب میشود – بخصوص اگر رهبران انقلاب قاطع و بموقع و بر اساس معیارهای انقلاب اسلامی با مسایل و مشکلات اقوام مختلف برخورد کنند، نقشه‌های ضدانقلاب نقش بر آب خواهد شد. با توجه به ملاحظات فوق در این مرحله که هدف‌فوری‌تثبیت موقعیت انقلاب و سرکوبی عناصر رژیم گذشته و جلوگیری از تحریکات و نفاق افکنیهای دشمن است، صحبت از انحلال ارتش نشانه یک برخورد غیرمسئول و یا فرصت‌طلبانه است.

فرصت‌طلبانه ناشی از انگیزه کسب قدرت بدست یک اقلیت ناچیز و تحمیل سیستمی مغایر با خواست و اراده اکثریت عظیم مردم و تمایل عمومی انقلاب که باید از انگیزه صادقانه اصلاح و تصفیه ارتش به منظور حفظ آن در خدمت انقلاب جدا شود. تردید نیست که‌هدف نهایی در چارچوب نظام اسلامی آنست که ارتش اساسا" از حالت یک ارتش مزدور خارج شود و باتوجه به‌شرایط عصرحاضر و ضرورتها بصورت نوینی پی‌ریزی و بنیان نهاده شود.

در همین رابطه است که تغییر تدریجی مقررات و مناسبات استبدادی و ضد مردمی و ضد اسلامی موجود، ضرورت فوری دارد – از بین بردن تبعیض‌ها و تخفیف اختلاف در پاداشهای مادی و معنوی و بها دادن به صلاحیت و شایستگی و تقوی بجای معیارهای طاغوتی و ارزشهای انسانی مانند آزادی و حق‌تعیین‌سرنوشت و احترام به‌حیثیت افراد بجای اعمال زور و کاربرد شیوه‌های استبدادی و ضعیف‌کشی باید در دستور فوری کار اصلاح ارتش قرار گیرد. •••

درود بر زن مسلمان، پیشتاز انقلاب اسلامی

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۵۸ سال اول شماره ۳ اُمت

بقیه از صفحه ۶

تشکیل شورای انقلاب اسلامی کارگران جهان چیت

و اداره کارخانه توسط شورای کارگران

لازم بتذکر است که در دوران حکومت طاغوت سندیکای فرمایشی‌ای زیر نام "سندیکای کارگران جهان‌چیت" وجود داشت که اداره کنندگانش از جانب کارفرما انتخاب میشدند وکمترین توجهی به خواسته‌های کارگران نمینمودند و تنها رسالتشان سرکوب کارگران و شرکت در میتینگ‌ها و تظاهرات دولتی بنام کارگران بود.

در سال ۴۹ از جانب کارگران برادر غلامعلی موحدی‌مهر به نمایندگی کارگران انتخاب میشود این انتخاب مورد مخالفت ساواک قرار میگیرد و برادر موحدی‌مهر را علیرغم داشتن ورقه کفالت به ژاندارمری احضار و سپس بعنوان خدمت روانه زاهدان وسپس لارستان مینمایند.

پس از پایان خدمت در سال ۵۱، ساواک ایشان رااحضار واخطار میکند که نباید به کارخانه بازگردی، برادر غلامعلی به کار الکتریکی میپردازد، لیکن ارتباط خود را با کارگران جهان‌چیت قطع نمیسازد و از طریق برقراری مجالس مذهبی ـ سیاسی پیوند خود را با کارگران حفظ مینماید.

برادر ایشان آقای غلامحسین موحدی‌مهر نیز در سال ۵۳ اخراج و سپس بجرم: تحریک و تشویق کارگران جهت گرفتن دستمزد اضافی و ایجاد اخلال و رهبری اعتصابات و برقراری جلسات مذهبی و تبلیغ و پشتیبانی از امام خمینی دستگیر میگردد.

بهنگام دستگیری برادران، مأمورین امنیتی تفسیر پرتوی ازقرآن آیت‌الله طالقانی و کتابهای آقای بازرگان را در وسط حیاط پس از ریختن نفت بآتش میشکند.

پس‌ازپیروزی‌مرحله‌اول‌مبارزه (سقوط رژیم وابسته به امپریالیسم) برادران‌موحدی مهر همراه‌با سایر برادران مسلمان‌متوجه‌میشوند که مسئولیت‌آنان‌سنگین‌تراز سابق است ومیبایستی کوششی‌در جهت حفظ دستآوردهای‌انقلاب‌وتعمیق‌آن‌وهمچنین‌بحرکت درآوردن‌چرخهای‌تولید کارخانه‌وتصفیه‌کارخانه‌ازعناصرضدانقلابی‌وبرقراری‌حاکمیت مستضعفین و دفاع از حقوق کارگران بنمایند.

در ۷ اسفند کارگران بعلت اعتمادی که به آقای غلامعلی موحدی‌مهر داشتند طی طوماری از کمیته امام در کرج درخواست‌آمدن ایشان بکارخانه را مینمایند.

کارفرما از آمدن ایشان بکارخانه ناراحت شده به وزارت صنایع و معادن مراجعه و از شخصی باسم حاج علی طرخانی که خود را نماینده امام معرفی مینماید نامه‌ای میآورد که آقای موحدی‌مهر را به کارخانه راه ندهند و دو نفر از دوستان ایشان باسامی آقایان سید ـ علی‌اکبر دهقان نیری و سیدعلی دهقان نیری را بجرم همکاری با برادر موحدی‌مهر از کارخانه اخراج میکند.

برادر موحدی‌مهر پس از اطلاع از جریان اخراج دو نفر فوق بکارخانه آمده و احکام اخراج را پاره میکند. کارگران پس از اطلاع بعنوان تأئید در جلوی کارخانه اجتماع میکنند.

در اینزمان حاج علی طرخانی تلفنا" بآقای موحدی‌مهر میگوید: "کارخانه را ترک کن" برادر موحدی میگوید: "من از طرف کمیته امام آمده‌ام" حاج طرخانی پاسخ میدهد: "من دستور داده‌ام که کمیته کارت شما را بگیرد". کمیته امام نیز متأسفانه در مقابل اوامر حاج ـ طرخانی تسلیم میگردد.

برادران به وزات صنایع و معادن نزد حاج‌طرخانی جهت تشریح مسائلشان میروند که چنین پاسخ میشنوند: "اگر مهمانی بمنزل شما بیاید، هرچقدر هم خوب باشد ولی زمانیکه صاحبخانه راضی نباشد، باید برود. شما نیز باید بروید"!!؟

برادران کارگر عنوان میکنند که ما فکر کردیم که شما طرفدار مستضعفین هستید، اگر میدانستیم مدافع مستکبرین هستیدخدمت شما نمیآمدیم.

در بازگشت، کارگران را دعوت بتشکیل جلسه‌وسخنرانی وایجاد شورا مینمایند. در همین زمان از جانب وزارت کار شخصی بنام حجة‌الاسلام غروی رفسنجانی و دو نفر دیگر باسامی آقایان ابوالفضل طالب و محمدرضا نعمت‌زاده به کارخانه میآیند که ابتداء پذیرفته نمیشوند و کارگران عنوان میکنند تا شما را نمایندگان ما تأئید نکنند بشما امکان سخنرانی نمیدهیم، نمایندگان افراد فوق را میپذیرندوبا همکاری و زیر نظر آنان شورای انقلاب اسلامی کارگران جهان‌چیت تشکیل و برادران زیر آقایان.

سیدعلی دهقان نیری
علی‌اکبر زارع
غلامحسین موحدی‌مهر
غلامعلی موحدی‌مهر
غلامعلی عبدالعظیمیان
عصغر زارع چناری
محمدرضا نوری

باتفاق آراء انتخاب میشوند.

از آن تاریخ دفتر سرهنگ‌بازنشسته یمینی مأمورانتظامات‌کارخانه از جانب ساواک به مرکز شورای انقلاب اسلامی کارگران تبدیل میشود.

فعالیتهائیکه از بدو تأسیس شوراها تا تاریخ ۸ اردیبهشت ۵۸ انجام گرفته است.

۱ ـ ایجاد نظم در کارخانه با همکاری و همفکری کارگران.
۲ ـ پرداخت اضافه دستمزد.
۳ ـ پرداخت حقوق از میان رفته همچون: حق اولاد، حقوق گذشته و عقب‌افتاده.
۴ ـ دادان پارچه کت و شلواری برای اولین بار به کارگران.
۵ ـ تصویب پرداخت کامل حقوق در ایام تعطیلی و مرخصی.
۶ ـ افزایش تعطیلات نوروزی از ۲ تا ۳ روز به ۱۴ روز (تا ۱۳ فروردین)
۷ ـ ازمیان بردن تبعیضات حقوقی بین افراد مشترک‌الشغل و دارای سابق یکسان.
۸ ـ افزودن ۳۳٪ به حقوقها، دارندگان حقوق کم تا ۱۲۰٪ به حقوقشان افزوده گشته در صورتیکه افرادی که حقوق مکفی داشته‌اند به حقوقشان چیزی افزوده نشده و به پاره‌ای نیز ۱۰٪ و... که میانگین آن ۳۳٪ را نشان میدهد که معادل با یک میلیون و هشتاد هزار تومان در ماه میباشد.
۹ ـ کلیه اضافه‌کاریهای زائد و کنار لیستی‌ها و پولهائیکه به نور چشمیها پرداخت میشد قطع گردید. و به حقوق کارگران افزوده گشته است.
۱۰ ـ جلوگیری از ضایعات حیف و میل‌هائی که توسط نورچشمیها میشده است.
۱۱ ـ تغییر اعضای شرکت تعاونی و انتخاب جدید هیئت‌مدیره شرکت تعاونی.
۱۲ ـ بالا بردن سطح تولید
(در اینجا لازم است از ترمهندس‌خراسانی که مبتنی بر استفاده حداکثر از کارگر، پائین آوردن ساعات کار، افزودن ماشین بدون‌رشد حقوق، بود یاد کرد که تأثیرات بسیار منفی‌ای برروی‌کارگر و همچنین کیفیت کالا و کمیت آن میگذاشت)
۱۳ بالا بردن کیفیت کالای تولید شده.
۱۴ ـ استخدام و بکار گماشتن ۱۳۰ کارگر جدید.
(برادران عضو شورا معتقدند که‌برخلاف‌نظر مهندس‌خراسانی ـ که نظر تمامی سرمایه‌داران میباشد ـ تقسیم عادلانه کار در کارخانه‌ها ۷۰ تا ۸۰٪ از مشکل بیکاری را حل و کیفیت کالا + سطح تولید را بالا برده + کارگری را که که در نظام طاغوتی در جوانی برای سود بیشتر شیره جانش را میکشیدند و از صحنه تولید خارج میساختند در نظام توحیدی میتواند سالیان دراز بعنوان عضوی مولد درخدمت‌رشد خود و جامعه اسلامی به تولید بپردازد.
۱۵ ـ دادن شیر به قسمتهائیکه‌ازنظر بهداشتی لازم بوده ولیکن سابقا" عملی نمیشده است.
۱۶ ـ ایجاد کتابخانه.
۱۷ ـ تشکیل کلاسهای اسلامشناسی.
۱۸ ـ برقراری سخنرانی جهت کارگران برای آگاهی و آشنائی بحقوقشان.
۱۹ ـ ایجاد باشگاه ورزشی جهت حفظ تندرستی ونشاط کارگران.
۲۰ ـ توافق در مورد دادن پارچه مصرفی به کارگران.
۲۱ ـ برقراری سرویس جهت کارگران
و.....

در پایان گفت و شنودوقتی ازبرادران کارگر مجروح دراردیبهشت ۵۰ سئوال شد معیار شما در انتخاب نمایندگان جهت شورای انقلاب اسلامی کارگران چه بود؟ چنین پاسخ دادند. "۱ ـ مسلمان بودن ۲ ـ طرفدار حق بودن، ۳ ـ پول‌پرست نبودن، ۴ ـ حق کارگر را زنده کردن و ۵ ـ به همه بیک چشم نگاه کردن"

و برادر کارگری از اعضاء شورای انقلاب اسلامی کارگران در پاسخ سئوال "چه انتظاراتی از جمهوری اسلامی دارد؟" گفت: "همانگونه که مستضعفین قیام کردند و مبارزه نمودند، میبایستی استثمار آنان از میان برود و به گفته قرآن و امام خمینی که‌خواستارامامت مستضعفین میباشند، عمل شود.

و برادر محمود کارگر فرزند ۱۵ ساله شهید علی کارگر که مدت ۲ سال است در کارخانه کار میکند پیام زیر را برای‌خواهران‌وبرادران کارگر خود فرستاد: "من از خواهران و برادران کارگر میخواهم که به کار خود بچسبند و کار کنند و گول توطئه‌های رنگارنگ دشمن را که خواهان متوقف ساختن امر تولید میباشد، نخورند".

گفت و شنود ما با برادران کارگر کارخانه جهان‌چیت بپایان رسید در حالیکه به قدرت خلاقه توده‌های مستضعف و کارائی شوراها و نقش این شوراها در بازسازی میهن اسلامی و دفاع از دستآوردهای انقلابی و تحقق بخشیدن به اصل حاکمیت توده‌های مستضعف ازطریق شوراها میاندیشید.

بعیان دیدم که چگونه نظر به ضرورت حاکمیت سرمایه‌داران بر مؤسسات تولیدی آبرو باخته است و عمل انقلابی شورای اسلامی کارگران در صورت پیروی سایر واحدهای تولیدی میتواند سطح تولید و حقوق کارگران را بالا برده و مسئله بیکاری را حل و کشوررادرجهت استقلال اقتصادی یاری رساند.

گرامی باد خاطره شهدای کارخانه جهان‌چیت
درود بر کارگران مبارز جهان چیت
هرچه موفتر باد شورای انقلاب اسلامی کارگران جهان‌چیت.



برادر کارگر شهید علی کارگر از کارگران کارخانه جهان‌چیت
(شهادت ۸ اردیبهشت ۱۳۵۰)

اسنادی در مورد موضع روسیه شوروی نسبت به مسئله فلسطین

ترجمه

۱ ـ اظهارات گرومیکو GROMYKO در سازمان ملل متحد، نوامبر ۱۹۴۷ "مذاکراتی که در جلسات مجمع عمومی و در اولین کمیسیون صورت گرفت نشان دادند که مسئله فلسطین حالت سیاسی حادی‌پیدا کرده است. بنظر میرسد که، کلیه نمایندگیهای شرکت‌کننده درمذاکرات همین عقیده را دارا باشند. این مسئله بایدازطرف سازمان‌ما (سازمان ملل) مورد رسیدگی قرار گیرد. قبول این امر که مسئله فلسطین باید در مجمع عمومی بررسی شود تنها مبین وخامت موضوع نیست بلکه به سازمان ملل اختیار و مسئولیت میدهد که راه‌حلی برای این‌مشکل پیدا کند. بالنتیجه برای ما این رسالت پیش می‌آید که کلیه جوانب مسئله را با رعایت اصول و اهداف سازمان و با عنایت به منافع صلح و امنیت بین‌المللی مورد مطالعه قرار دهیم.

مذاکرات همچنین معلوم کردند که اخذ تصمیم معین و قطعی نسبت باصل و ماهیت این مسئله امری مشکل است. لذا این مذاکرات فقط میتواند اولین مرحله بررسی مسئله فلسطین باشد. بعقیده عموم شرکت‌کنندگان تصمیم اصلی و ماهوی نسبت باین مسئله بایددر جلسه مجمع عمومی آینده در آخر سال اتخاذ گردد. معهذا مذاکرات بیانگر این موضوع بودند که عده‌ای از نمایندگیها معتقد به ضرورت تبادل نظرهائی نسبت به برخی از جنبه‌های مهم مسئله فلسطین در همین جلسات هستند. هرچند ناقص باشد بحث پیرامون بعضی از جنبه‌های مهم مسئله سودمند خواهد بود. زیرا اولا" به نمایندگیها امکان شناخت بهتر مسائل مربوط‌به فلسطین بویژه وضعیت کنونی این کشور را میدهد. ثانیا" چنین مذاکراتی، علیرغم مقدماتی بودن آن کار ما را در موقعیکه مسئله نمایندگی و جهت دادن بکارهای کمیسیون (کمیسیونی که قصد ایجاد آنرا داریم و باید برای مجمع عمومی‌عادی آینده نسبت بمسائل اساسی پیشنهاداتی تهیه کند) مطرح است‌آسان میکند.

با بررسی مقدماتی مسئله فلسطین و با مشخص کردن اعمال و روش کمیسیون مذکور ناگزیر از بیان این امر است که تحت سیستم "قیمومت" که در سال ۱۹۲۲ ایجاد شده برای اداره فلسطین موفق نبوده و تاب مقاومت در برابر مسائل را نیاورده است. گمان‌نمیکنم که کسی بتواند این مطلب را مورد اعتراض قرار دهد. باهدافی که‌هنگام اهداء "قیمومت" مورد توجه بوده‌وصول حاصل نشده‌است. اعلامیه‌های رسمی که همراه با تأسیس سیستم قیمومت در فلسطین، صادرگردیده‌اند بصورت نامه‌های مرده درآمده و اجرا نشده‌اند. شکست سیستم قیمومت فلسطین در طول تاریخ اداره این کشور تحت این رژیم را میتوان مشاهده کرد، بدون اینکه لازم باشد از وضع کنونی این کشور سخنی بمیان آورد. در اینمورد خوبست یادآوری شود که در سال ۱۹۳۷ کمیسیون پیل PEEL بعدا" از مطالعه وضعیت فلسطین اعلام نمود که

بقیه در صفحه ۵

هفته‌نامه امت
شماره: ۳
چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۵۸
زیرنظر: شورای نویسندگان امت
تخت طووس ـ شماره ۲۳۴ ـ تلفن ۸۳۹۶۶۷
چاپ شرکت افست «سهامی عام»

درود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما